

همایون

نشریه خبری، فرهنگی، اجتماعی
بنیاد دانشگاهی فردوسی
حامی دانشجویان دانشگاه
فردوسی مشهد

شماره پیاپیستیم - دی ۱۴۰۳



بنیاد دانشگاهی فردوسی، سازمانی مردم نهاد است که برای نخستین بار در ایران با هدف پشتیبانی از دانشگاه بنیان‌گذاری شده و حمایت از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد را بر عهده دارد. این بنیاد، مستقل از تشکیلات رسمی دانشگاه است و با ویژگی علمی-فرهنگی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و عام المنفعه فعالیت می‌کند.

شماره حساب کمک‌های مردمی:

حساب جاری ۱۰۸۲۲۹۴۷۶۰۰۷ بانک
ملی شعبه دانشگاه فردوسی مشهد
ملی کارت: ۶۰۳۷۹۹۷۵۹۹۰۱۶۹۵۴

حساب جاری ۴۷۰۰۰ بانک تجارت
شعبه دانشگاه فردوسی مشهد (۴۲۵۰)
تجارت کارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۱۴۴۴۶۷۴۰



تأسیس ۱۳۸۳



نشریه خبری، فرهنگی، اجتماعی
بنیاد دانشگاهی فردوسی
حامی دانشجویان دانشگاه
فردوسی مشهد

شماره بیستم - دی ماه ۱۴۰۳

فهرست مطالب

- ۳ سخن نخست
- ۴ هزینه های دانشجویی بنیاد
- ۵ تحصیل خریدن
- ۷ مجمع عمومی عادی و فوق العاده بنیاد
- ۱۰ بازتاب عمل خیر نیکوکاری در داستان های کهن فارسی
- ۱۴ شب نیکوکاری
- ۱۷ شب استاد بقا
- ۲۳ به روان آرام استاد بقا
- ۲۴ معلم نیکوکار
- ۲۶ فروغ السلطنه آذرخشی
- ۲۸ روایت آیین بیستمین سال تأسیس بنیاد
- ۳۶ نمایش آسو، افق طلایی کوه
- ۳۸ روز اول تحصیل
- ۳۹ ۲۰ سال خیر ماندگار
- ۴۱ غروبی از جنس مهر
- ۴۲ گامی در مسیر هم افزایی علم و نیکوکاری
- ۴۳ طرح درمان و سلامت هادوی
- ۴۳ طرح اصلاح بینایی زنده یاد حاج علی اصغر درّی
- ۴۴ جایزه هوش مصنوعی در خدمت به تعالی جامعه انسانی

صاحب امتیاز: بنیاد دانشگاهی فردوسی

مدیرمسئول: دکتر ابوالفضل باباخانی

همکاران این شماره (به ترتیب الفبا):

مسعود ادیب نیشابوری - علیرضا بحر العلومی - مزگان حسن پور
حمید خادمی - فاطمه شیروانی - بتول صارمی - دکتر ولی عبدی
مهری کیان مهر - فرشته مشهدی - نرگس مولوی - مائده ناصری
براتعلی ولی زاده

طراح و صفحه آرا: سیده مهلا هاشمی

آدرس: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی
مشهد، بلوار علوم، بعد از دانشکده علوم به سمت درب شرقی،
اولین خیابان سمت راست

کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۵۷۰

تلفن: ۰۵۱۳۸۷۹۶۷۷۳

نمابر: ۰۵۱۳۸۷۹۶۷۷۴

وب سایت: www.faf.um.ac.ir

کانال تلگرام: Bonyadfum

کانال ایتا: Bonyadfum

اینستاگرام: Bonyad.fum

آپارات: Bonyadfum

فرجام نیکوکاری

مژگان حسن پور

سگر این نعمت شبی اطعام کرد	پیرمردی به حج اقدام کرد
حج روم من دوستانم، اَلودا	داد او خویشتان خود را این ندا
کودکانی کر سنه، اما نرشد	بعد مهانی درِ او را زدند
سینه اش شد مخزن اندوه و درد	چون نکه کرد آن دورا آن پیرمرد
از چه اینجا آمدید ای کودکان؟».	گفت آن مادر: «پدر دارید؟ مان!
انکی از آن طعام و آن غذا	گفت کودک: «اینک ای مرد خدا!
نیست کس ما را در اینجا دستگیر	توبه ماده که یتیم و فقیر
ناگهان او روزی از پا افتاد».	مادرم از شدت کار زیاد
رفت سمت کوچ ای تنگ و حقیر	پیرمرد آن شب پی آن دو فقیر
خانه ای و سفره خالی از غذا	دید او آن مادر بیمار را
تا دهد پول سفر به مکه را	عهد کرد آن شب به درگاه خدا
زن پس از چندی ز بیماری ش رست	بهر درمان زنی بی سرپرست
بهر آن حج زفته گریه کرد	موسم حج شد تمام و پیرمرد
حج زفته حاجی هستی ای فلان!	شب به خواب او را ندا دادند: مان!
کرد حاجی تورتورا از حاجیان	نیکو تو در حق آن کودکان
بهر نیکو دگر اقدام کرد	مرد شد بیدار و باز اطعام کرد



سخن نه‌است

بنیادهای خیریه در خدمت علم

Zḗn láthe biṓsas kai sofían metadidouς

(گمنام باش و دیگران را از حکمت بهره‌مند کن)

والایی در دین زرتشتی به حساب می‌آید. در همین راستا حمایت از موبدان، عالمان، تأسیس مدارس، رصدخانه‌ها و مراکز پزشکی از مصادیق تکالیف دینی به حساب می‌آید. چنین رویکردی به علم و علم‌آموزی در سنت اسلام نیز از زمان پیامبر اسلام تاکنون مورد تأکید قرار گرفته است. پدیده «وقف» در راه علم فقط یک نمونه در این زمینه به حساب می‌آید.

بنابراین، بنیاد دانشگاه فردوسی مشهد که در سال ۱۳۸۳ و با شعار «حمایت از دانشجویان» تأسیس شد در درون سنت‌های پیش گفته قرار می‌گیرد. این بنیاد تاکنون توانسته است با جذب کمک‌های خیران و نیکوکاران محترم در زمینه خدمات رفاهی دانشجویی، خدمات آموزشی و پژوهشی، ساخت و تأمین خوابگاه‌ها، تجهیز آزمایشگاه‌ها، اختصاص بورس‌های تحصیلی به دانشجویان مستعد، حمایت از نوآوران و کمک به توسعه زیرساخت‌ها و فناوری دانشگاه گام‌های بزرگی در راستای رشد و بالندگی علم بردارد. در جدیدترین مورد، برگزاری شب نیکوکاری به مناسبت گرامیداشت نیکوکار گرامی؛ زنده یاد استاد حاج علی باقرزاده (بقا) در اول آذر و گرامیداشت بیستمین سال تأسیس بنیاد دانشگاه فردوسی مشهد در ۲۸ آذر برگزار شد. زحمات همه دست‌اندرکاران بنیاد مورد ستایش است و استمرار و تداوم توفیق آنان را از درگاه باری تعالی مسئلت دارم.

دکتر ولی عبدی

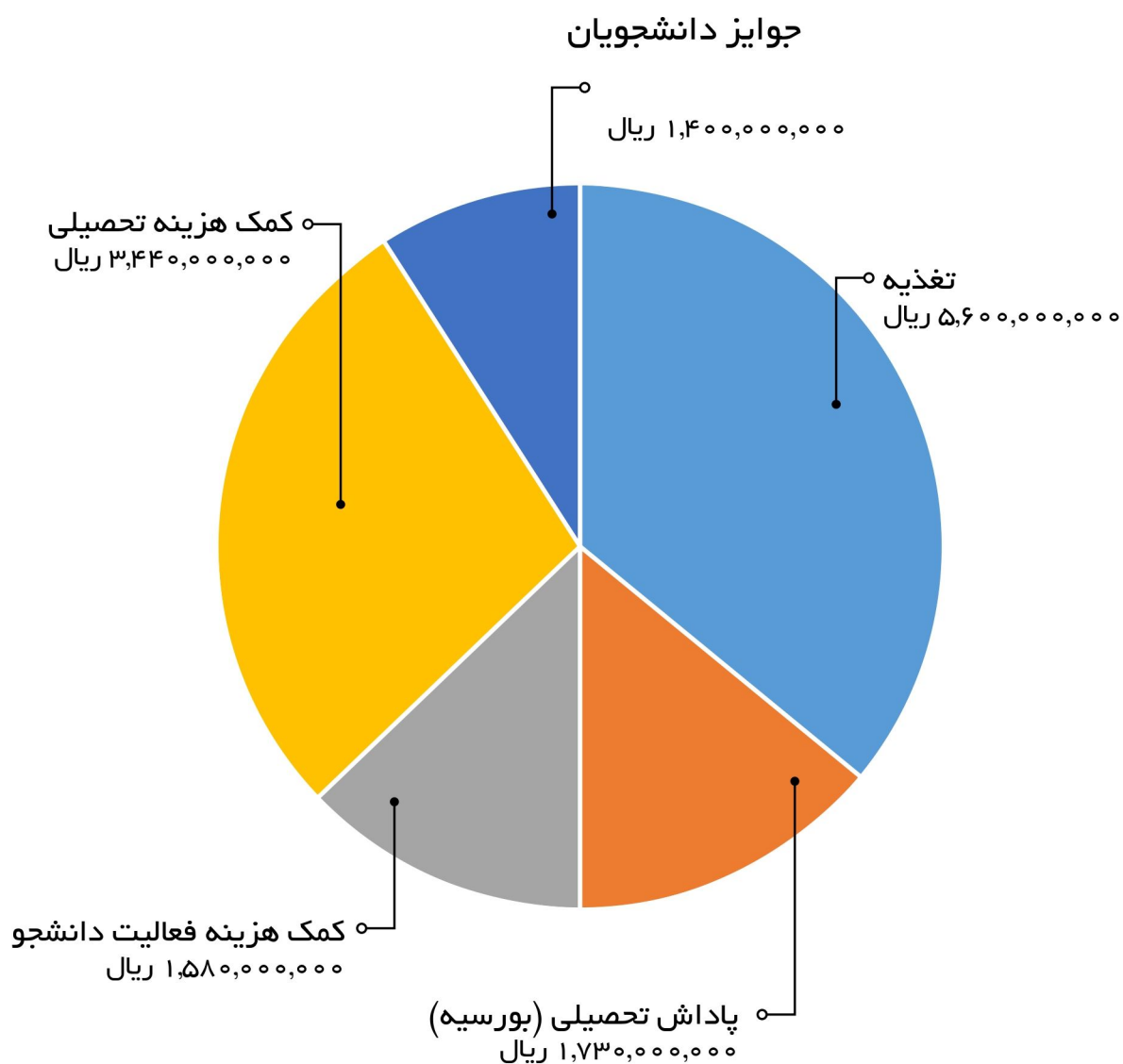
عضو هیات علمی گروه ادیان و عرفان تطبیقی

دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی اجمالی تاریخ فرهنگ‌های گوناگون نشان می‌دهد که در میان اقوام مختلف همواره میل و اشتیاق به بالندگی علم وجود داشته است. در زبان یونانی باستان، واژه‌های که نزدیک‌ترین معنا را به «خیریه charity» می‌دهد، کلمه «فیل‌آنتروپیا φιλανθρωπία» است؛ که معنای دقیق آن «انسان دوستی philanthropy» است. این واژه در ابتدا تداعی کننده مرحمت حاکمان به مردمانشان بود، اما به تدریج به معنای فضیلت شهروندی و حمایت از تعلیم و تربیت به کار رفت. در یونان باستان، حاکمان، حمایت از فیلسوفان، ریاضیدانان، منجمان و نمایشنامه نویسان را نوعی «فضیلت ἀρετή» می‌دانستند. به همین سبب آکادمی افلاطون، مدرسه لُکِئوم ارسطو و کتابخانه بزرگ اسکندریه در جهان هلنیستی به‌وسیله خیران و حامیان نیکوکار تأسیس شدند. سپیترهادرسنت یهودی-مسیحی، واژه «خیریه» با مفهوم «عشق ἀγάπη» گره خورد و به یکی از ارکان اصلی حیات دینی تبدیل شد. براساس آموزه‌های یهودیت، جستجوی حکمت (πῆσις)، حمایت از حکما، عالمان، کاتبان و کاهنان در زمره هدایای الهی و وظایف دینی به حساب می‌آید. همین نگرش در تعالیم مسیحیت نیز به چشم می‌خورد و مسیحیان به روش‌های گوناگون و به‌ویژه در قرون وسطی به حمایت از راهبان، صومعه‌نشینان و عالمان خود پرداختند. آنان با کمک‌هایی از قبیل اهدای زمین، وسایل پزشکی، نسخه‌های خطی و غیره به رشد علم کمک کردند و مراکز گوناگونی از جمله دانشگاه پاریس از دل همین حمایت‌ها سر برآوردند. در ایران باستان از جمله در کتاب مقدس زرتشتیان؛ یعنی اوستا و سایر آثار آنان از قبیل متون پهلوی رفتن به دنبال دانش با «راستی یا آشه» همسان دانسته شده است که فضیلت

هزینه‌های دانشجویی بنیاد

از فروردین تا آذرماه سال ۱۴۰۳



تحصیل خریدن



علیرضا بحر العلومی فرد

خوابگاهشون. اون شب بهش خبر دادن زمین سرما زده و باباش سخته کرده. اونم تو شوک رفت. رفت شهرشون.

بعد چند مدت خبر رسید باباش فوت کرده و همه اون محصولات رو هم پیش فروش کرده و خانواده مونده و یک دنیا قسط و قرض. محسن بهم پیام داد و گفت: «من تنها راهی که می تونستم خانواده رو بعد بابا اداره کنم، ارث بود که اونم پرید و کلی قرض به جای ارث موند. حالا چی کار کنم؟». گفتم: «بیا و ادامه تحصیل بده و کارم بکن و پول دربیار و برای خانواده بفرست». گفت: «دلت خوشه! هزینه خوابگاه و تحصیل رو از کجا بیارم؟ گیرم پول قرضای بابا رو قسط بندی کردم، خب بعدش چی کار کنم؟». اونجا بود که فکر کردم به قول مامان ای کاش یک گروه بودن و تحصیل خری می کردن. با همین حال پریشون و سردرگم تو فکر فرو رفتم. گفت: «الو! علی با توام! ما رو باش روی دیوار کی یادگاری می نویسیم!». گفتم: «گوشم با توه. تو کلت به خدا باشه؟» ولی خب از کجا این مشکل حل شه؟ پا شدم رفتم بخش رفاه، گفتن دانشگاه با قید ضمانت و با کلی بدو بدو اگه شانس بیاره محسن، یک دهم پولی که می خواد برای زندگی دانشجویی

در جهان امروز نیکی و دهش مفهومی با وسعت دریا؛ از یاری به بیماران محک بگیر تا آدامس خریدن از کودکان شهر، فال گرفتن از فالی یا ساخت یک خوابگاه و سرپناه برای دانشجویهای دانشگاه، تمام این ها نیکوکاریه.

یادمه مادرم می گفت یه عده توی شهرشون پول جمع می کردن و برای دانش آموزان «تحصیل» می خریدن. اون وقت اصطلاح «خرید تحصیل» برای من خیلی شگفت انگیز و عجیب بود. نمی فهمیدم تو بچگی و همیشه می پرسیدم: «مامان تحصیل خریدن چیه؟». می گفت: «یعنی پول مدرسه رو می دادن که بچه ها درس بخونن». توی عالم کودکی از بچگی، بهش می گفتم منم دوست دارم تحصیل خر بشم. اونم کلی می خندید.

از اون سال ها که گذشت، هر روز بیشتر حس می کردم که داشتن سواد چقدر به فرهنگ و سطح شعور کمک می کنه. هر روز تحصیل خر شدن برام بیشتر جذاب می شد تا اینکه اومدم دانشگاه، رفیقای زیادی پیدا کردم و هنوزم واژه تحصیل خر برام جذابیت داشت؛ اما من که نمی تونم، من یه نفرم و دست تنها! یک شب رفتم خوابگاه، محسن، رفیقم، خوابگاهی بود و باباش کشاورز بود. رفتم

داره و یه سری آدم مال و عمرشون رو صرف این کار می‌کنن. چی می‌دیدم؟! توی بروشور زده بود: وام دانشجوی نیازمند، کمک برای خرید وسایل تحصیل، ساخت خوابگاه و دادن به دانشجویانی که احتیاج دارن، رفع نیازهای درمانی دانشجویان، حمایت از دانشجوی نخبه و خیلی چیزای دیگه.

رفتم پیش محسن گفتم: «مژده بده، مژده بده، یار پسندید تو را!». گفت: «مسخره‌بازی درنیار میمون! بگو ببینم چی شده؟». گفتم: «این بروشور رو بخون!». وقتی می‌خوند، هر لحظه شکوفه لبخند رو بیشتر روی صورتش درحال شکوفایی می‌دیدم. رفتیم اونجا، نامه از مرکز مشاوره هم بردیم برای تأیید نیاز و وضعیت محسن.

ظرف یک ماه با کمک‌ها خیلی چیزها عوض شد؛ زندگی محسن شیرین‌تر شد، معدلش بهتر شد. محسن الان یک پزشک فوق‌تخصص قلب معروف شده. الان من و محسن، خودمون تحصیل می‌خریم برای دانشجویها. چه حس خوبیه ماهیگیری یاد دادن، جای ماهی دادن...

رو هم بهش نمی‌دن. گفتم: «خب برم مسجد، دست‌به‌دعا شم شاید اهالی مسجد کمک مالی کنن». اون طفلی‌ها هم حرفی نداشتن؛ ولی خیلی تو صف قرض‌الحسنه مسجد باید می‌موندیم تا اون موقع دیگه فکر کنم محسن فقط خاکسترش باقی می‌موند. چقدر نیازهای مختلف هست! مگه یک مسجد و یک معاونت چه مقدار توان مالی داره؟ حق داشتن طفلی‌ها. با خانواده مطرح کردم. همه باهم تونستیم پول تحصیل خریدن برای محسن رو فراهم کنیم؛ ولی برای یک ترم پول داشتیم و بیشتر تو دست‌وبالمون نبود. توکل بر خدا، می‌رفتیم با محسن سر کلاس‌ها و همزمان برای پول، این در، اون در می‌زدیم.

یادمه یه روز تو دانشگاه توی بروشورهای تبلیغاتی داشتم برای تفنن تورق می‌کردم. یک‌دفعه برق از سرم پرید! یه عده تحصیل‌خَر توی دانشگاه برای نیازمندا تحصیل می‌خریدن. بنیاد نیکوکاری برای دانشجوی... فقط برای خود خودش...! توی ذهنم گفتم مامان، هنوزم مثل اینکه تحصیل خریدن وجود



مجمع عمومی عادی و فوق العاده بنیاد



در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ ساعت ۹ تا ۱۰ مجمع عمومی عادی و از ساعت ۱۰ تا ۱۱ مجمع عمومی فوق العاده در سالن شورای بنیاد برگزار شد.

جلسه مجمع عمومی:

در آغاز جلسه مجمع عمومی، آقای دکتر ابوالفضل باباخانی، مدیرعامل بنیاد، گزارش عملکرد یک ساله را در زمینه‌های مختلف به شرح زیر ارائه نمودند:

در زمینه کمک به تأمین فضای فیزیکی

۱. افتتاح سرای دانشجویی زنده یاد مهندس سید جواد شهرستانی
۲. تغییر کاربری سرای دانشجویی مریم به اولین مرکز نوآوری و فناوری بنیاد
۳. آغاز عملیات ساخت طبقه اول ساختمان اداری بنیاد

در زمینه خدمات رفاهی دانشجویان:

۱. اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان واجد شرایط به تعداد ۲۵ نفر
۲. کمک به پرداخت تمام یا بخشی از شهریه دانشجویان نیازمند و مستعد دانشگاه
۳. شارژ کارت تغذیه ۷۵ نفر از دانشجویان کم برخوردار
۴. همکاری با موقوفه ملا محمدخان جهت تهیه لباس و کمک هزینه برای ۲۱ دانشجوی کم برخوردار
۵. کمک مالی به ۱۸ دانشجوی دانشکده مهندسی از محل تفاهم نامه اکبرزاده سیدین
۶. حمایت مالی از تعداد ۱۵ دانشجوی مستعد... از محل تفاهم نامه خانواده محترم ماهر محبی
۷. حمایت مالی از ۲۱ دانشجوی سید، از محل تفاهم نامه سرکار خانم مرتضایی
۸. پرداخت کمک هزینه تحصیلی به ۳ دانشجوی رشته زیست شناسی از محل تفاهم نامه خانواده محترم دکتر مجتهدزاده اردبیلی
۹. پرداخت کمک هزینه تحصیلی به تعداد ۱۰۰ دانشجو توسط یکی از خیران که به طور ناشناس کمک نمودند

در زمینه کمک به ارتقای جایگاه آموزش و پژوهش دانشگاه:

۱. برابر روال هرسال، اهدای لوح تقدیر به دانش آموختگان رتبه اول تا سوم در دوره کارشناسی
۲. اهدای نشان طلایی بنیاد به عضو هیأت علمی برجسته جوان
۳. حمایت از طرح‌های پژوهشی برون دانشگاهی از محل گرنت نوآوری و فناوری مرکز فرهنگی زنده یاد حاج احمد ناظران
۴. اعطای پاداش تحصیلی به رتبه‌های برتر کنکور سراسری که در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل شده‌اند

در زمینه کمک به توسعه زیست بوم نوآوری و فناوری دانشگاه

۱. تدوین آیین نامه گرنت فناوری و نوآوری مرکز فرهنگی زنده یاد حاج احمد ناظران
۲. انعقاد قرارداد صلح مرکز نوآوری و فناوری ضیاء الملوک فضل خراسانی
۳. انعقاد تفاهم‌نامه در ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه برای تولید پادکست اینوفام و برگزاری رویداد تد با هدف کمک به زیست بوم نوآوری و کارآفرینی دانشگاه برای ترویج و توسعه ایده‌های نوآورانه و کار آفرینانه
۴. ایجاد مرکز نوآوری و فناوری مریم با تغییر کاربری سرای دانشجویی مریم
۵. ایجاد جایزه دکتر اکبرزاده برای اهدای جایزه به پایان نامه برتر در زمینه هوش مصنوعی در خدمت به تعالی جامعه انسانی

در زمینه روابط عمومی

۱. توسعه شبکه‌های مجازی بنیاد: ایتا، تلگرام، اینستاگرام
۲. اصلاح و به روز رسانی وب سایت بنیاد
۳. برگزاری آیین افتتاح سرایه دانشجویی زنده یاد مهندس سید جواد شهرستانی (پردیس ۹)
۴. انتشار شماره‌های ۱۵ و ۱۶ نشریه همیاران، چاپ بروشورها و تراکت‌های بنیاد
۵. تهیه کلیپ‌های معرفی بنیاد و معرفی خدمات دانشجویی بنیاد
۶. اقدام برای ایجاد درگاه بانکی اینترنت و نماد اعتماد وب سایت بنیاد
۷. برگزاری جلسات کارگروه روابط عمومی بنیاد
۸. برگزاری ششمین گردهمایی خیران آموزش عالی
۹. تهیه ماکت سراهای دانشجویی بنیاد
۱۰. ارتباط مستمر با دانشگاهیان و همیاران و خیران



مصوبات مجمع عمومی عادی

۱. بودجه پیشنهادی بررسی و به تصویب رسید.
۲. برنامه های عملیاتی سال ۱۴۰۳ به همراه کلیات برنامه راهبردی بنیاد ارائه و به تصویب رسید و مقرر شد برنامه عملیاتی با افق سه ساله طی ۶ ماه آینده تهیه گردد.
۳. بازرس اصلی و علی البدل تعیین گردید.

جلسه مجمع عمومی فوق العاده

ابتدا مدیرعامل محترم بنیاد درباره مرکز نوآوری و فناوری بنیاد گزارش دادند، سپس مسئول تدوین برنامه سه ساله بنیاد، خانم دکتر راهله یاری، گزارش مبسوطی در این باره ارائه نمودند که چکیده آن به شرح زیر است:

بنیاد دانشگاهی فردوسی در بیستمین سال تأسیس خود تدوین یک برنامه راهبردی را با توجه به تغییر نیازمندی ها و اولویت های دانشگاه و همچنین پیچیدگی و کثرت متغیرهای دنیای امروز، برای پیشبرد بهتر برنامه های خود ضروری می داند. بر این اساس برنامه ای با هدف تدوین سیاست های راهبردی و برنامه های عملیاتی تهیه و به مجمع جهت اخذ تاییدیه آن ها ارائه گردید.

برنامه راهبردی بنیاد دانشگاهی فردوسی با تأکید بر مدل حکمرانی موثر و استاندارد ISO37000 تدوین گردیده است. بدین منظور اهداف غایی و جهت گیری استراتژیک با افق سه ساله مشخص شده است. در این سند تحلیل بستر بنیاد با رویکرد تحقق جهت گیری استراتژیک و اهداف کلان صورت گرفته، اهداف خرد با افق زمانی یک ساله همسو با معماری فرایندها در غالب پروژه، دسته بندی و برای هر پروژه برآورد منابع انجام شده است. برای هر هدف متناسب با خروجی های مشخص شده شاخص های کلیدی عملکردی برای فرایندها احصا شده است. این سند برای مهرماه ۱۴۰۳ تا مهرماه ۱۴۰۶ تنظیم شده است. امید است که با بهره گیری از خرد جمعی و تجارب گران بهای اعضای خانواده بزرگ بنیاد، افق های نوینی را در عرصه نیکوکاری آموزش عالی بگشاییم و به تحقق آرمان های بلندمدت خود نائل شویم.

مصوبات جلسه مجمع عمومی فوق العاده

۱. آیین نامه واحد نوآوری بنیاد دانشگاهی فردوسی به تصویب رسید و مقرر شد برابر نظر هیات مدیره اجرا گردد.
۲. کلیات برنامه راهبردی و پیشنهادی بنیاد به تصویب رسید.

بازتاب عمل خیر و نیکوکاری در داستان‌های کهن فارسی

درب‌بی‌خیر، در اندک زمانی بته می‌گردد

به احسان، خانه از سیل حوادث رسته می‌گردد

صاب تبریزی

نرگس مولوی



کتاب‌های قابوس‌نامه، گلستان، بوستان، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، جوامع‌الحکایات و دیگر آثار برجسته‌ی روایی و داستانی زبان فارسی، دربردارنده‌ی حکایت‌ها و قصه‌هایی هستند که غرض نویسنده یا گوینده آن‌ها، اخلاق و اثبات حقیقت‌های زندگانی و به تصویر کشیدن خلق و خوی پسندیده و ناپسند انسان‌ها و نشان دادن نیکی و بدی، تاریکی و روشنایی و اثر هر یک از این صفات در زندگی مادی و معنوی این جهانی است؛ حکایت‌ها و قصه‌هایی که در آن‌ها، واقعیت، تاریخ، افسانه و اسطوره، باهم در یک طرح ثابت و پیرنگی مشخص، شکل گرفته و ادب عامیانه ما را با سنت شفاهی نقل و روایت، پیوند زده‌اند موضوع گفتار اکنون ما «بازتاب عمل خیر و نیکوکاری در داستان‌های کهن فارسی» است که با گزینش سه حکایت کوتاه و واکاوی کالبد روایی آن‌ها، این موضوع را بررسی کرده‌ایم.

واژه «خیر» یک واژه عربی و معنی آن در زبان فارسی: نیک، خوب، نیکویی و خوبی است. متضاد واژه «خیر» در زبان عربی، واژه «شر» به معنی: بد و بدی در زبان فارسی است. جمله دعایی «خیر ببینی» به عاقبت نیک انجام کاری اشاره دارد و وقتی می‌گوییم «خدا خیرت بدهد»، از یک عمل خیر و کار نیک، قدردانی کرده‌ایم بازتاب این واژه در نقل‌ها، حکایت‌ها، قصه‌ها و داستان‌ها و ادب شفاهی ما ایرانیان، پیشینه‌ای به قدمت افسانه‌ها و اسطوره‌ها، تمثیل‌ها و مثل‌ها دارد. ادبیات داستانی اکنون ما، برای واژه‌های حکایت، قصه و داستان، معنی‌های ویژه‌ای به دست داده است و هر یک به صورت گونه‌ای ویژه به شمار می‌آید.

بیشتر حکایت‌ها و قصه‌ها در سده‌های پیشین فارسی، بر محور انسان، جانوران و موجودات طبیعی، به عنوان شخصیت‌های اصلی، با موضوعی ویژه شکل گرفته و هدف آن‌ها در اصل، ترویج آموزه‌ها و ارزش‌های انسانی، اخلاقی و تهذیب نفس بوده است.





حکایت اول: گشایش پس از مرگ

یک نیمه را به مرد نیازمند می‌دهد، درواقع به‌عنوان یک مؤمن واقعی و درستکار، نیت خیر و وجدان اخلاقی خود را به نمایش می‌گذارد. طرح این حکایت بر پایه‌ی این حدیث دینی شکل گرفته که روح آدمی، پس از مرگ به صدا درمی‌آید و او را از اعمال و پیامدهای آن، باخبر می‌کند. حقیقت این است که هر عمل خیر و نیکوکاری ما، از سرشت و فطرت الهی‌مان مایه می‌گیرد و به‌صورت دو نیروی متضاد در باطن و مزاج ما، بروز می‌کند؛ یکی مثبت و به قول این متن «سخاوت» و دیگری منفی به نام «بخیلی». سخاوت یعنی بخشش و کرم‌داشتن و بخیلی یعنی خسیسی و دون‌همتی و فرومایگی.

پیام اخلاقی و انسان‌شناختی این حکایت هم درواقع آمیختگی این دو خوی در فطرت آدمی است و اینکه انسانیت به احسان و نیکوکاری است و بخیلی، شایسته‌ی انسان بالایمان نیست. آنجا که محتسب پانصد دینار را می‌یابد و فرزندان مرد مرده، از گرفتن آن خودداری می‌کنند و محتسب، یک دینار از آن را برداشته، دونیمه می‌کند و مابقی را می‌دهد، درواقع اشاره دارد به اینکه پیروی کردن از نیت خیر، یک امر روان‌شناختی است و آدمیان را از نظر نفس و روان، به آرامش و خشنودی و رضایت الهی می‌رساند.

چرا آن مرد و فرزندان شخص مرده، پانصد دینار را نپذیرفتند؟ چون نمی‌خواستند بدهکار حیات از دنیا بروند؛ چون نفسی مطمئن داشتند و در روح و درون جان آن‌ها، نیرویی مثبت (رحمت و الهام پروردگار) پرورش یافته بود و عقل و خرد، میزان کردار آن‌ها بود و نمی‌خواستند برخلاف فطرت و سرشت الهی خود عمل کنند.

معنی و مفهوم «صدقه‌دادن» که پیشوایان دینی در آموزه‌های خود، همواره سفارش کرده‌اند و این حقیقت که پس از مرگ هم برکات و ثواب بخشش در راه خدا، باقی می‌ماند، نتیجه‌ی آموزنده‌ی این حکایت می‌تواند باشد.

ابوسعید خرگوشی روایت کند که اندر مصر، مردی بود که درویشان را پایمردی کردی. درویشی را فرزندی آمد و هیچ چیز نداشت. نزدیک وی رفتم. بیامد و از هرکس سؤال کرد؛ هیچ فتوح نبود. پس برخاست و مرا بر سر گوری برد و نشست و گفت: «خدای بر تو رحمت کناد! تو بودی که اندوه درویشان همی بردی و هرچه بایستی همی دادی. امروز برای کودک این مرد، بسیار جهد کردم، هیچ فتوح نبود». پس، برخاست و دیناری که داشت به دونیم کرد و یک‌نیمه به من داد و گفت: «این با وام به تو دادم تا چیزی پدید آید و این مرد را محتسب گفتندی».

گفت: «فراسُتدم و کار کودک تمام کردم و بساختم». محتسب آن شب، مرده را به خواب دید که گفت: «هرچه گفتمی، شنیدم. امروز لیکن ما را در خواب دستوری نیست. اکنون به خانه‌ی من شو و کودکان مرا گوی آنجا که آتشدان است بکنند و پانصد دینار اندر آنجاست؛ بدان مرد دهند». محتسب دیگر روز برفت و چنان که شنیده بود، بکرد و پانصد دینار بیافت. فرزندان وی را گفت: «بر خواب، حکمی نیست و این زر، شما راست، برگیرید». گفتند: «وی مرده است و سخاوت می‌کند. ما که زنده‌ایم، بخیلی می‌کنیم؟!». جمله، نزد مرد بُرد؛ چنان که گفته بود.

مرد یک دینار برگرفت و به دونیم کرد و یک نیم از جهت وام به وی داد و دیگر نیمه، خود باز گرفت و مابقی گفت: «برگیر و به درویشان ده، که مرا حاجت بیش از این نبود». ابوسعید خرگوشی گفت: «چون به مصر رسیدم، سرای آن مرده، طلب کردم. کودکان وی مانده بودند، ایشان را بدیدم...».

درون مایه‌ی این حکایت، پایمردی، میانجی‌گری، بخشش و کمک‌کردن و اینکه درک عمل نیکوکاری، یک امر فطری و خواهشی طبیعی است و آدمی در باطن، نسبت به هم‌نوع خود، عطوفت و مهربانی پیدا کرده و همواره رضای الهی را در زندگانی خود در نظر داشته است. آنجا که مرد درویش، دینار خود را به دونیم می‌کند و

حکایت دوم: من پاسبان نیستم

ملک زاده‌ای، گنج فراوان از پدر، میراث یافت. دست کرم برگشاد و داد سخاوت بداد و نعمت بی دریغ بر سپاه و رعیت بریخت:

نیاساید مشام از طبله ی عود
بر آتش نه که چون عنبر ببوید
بزرگی بایدت، بخشندگی کن
که دانه تا نیفشانی، نروید

یکی از جلسای بی تدبیر، نصیحتش آغاز کرد که: «ملوک پیشین، این نعمت را به سعی اندوخته‌اند و برای مصلحت نهاده. دست از این حرکت کوتاه کن که واقعه‌ها در پیش است و دشمنان در پس. نباید که به وقت حاجت، درمانی

اگر گنجی کنی، بر عامیان بخش
رسد هر کدخدایی را برنجی
چرا نستانی از هریک، جوی سیم
که گرد آید تو را هر روز گنجی؟»

ملک، روی از این سخن درهم کشید و او را زجر فرمود و گفت: «مرا خدای عز و جل، پادشاه این مملکت گردانیده است تا بخورم و ببخشم، نه پاسبانم که نگه دارم».

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت

طرح این حکایت بر محور این پرسش‌ها که: چرا آدمیان، نیکی می‌کنند؟ وظیفه ارباب در برابر رعیت چیست؟ چگونه تدبیر و مصلحت در زندگانی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد؟ چه سرانجامی انسان‌های بخیل و خسیس، پیدا می‌کنند؟ است.

نیکوکاری و عمل خیر، نشانه وظیفه‌شناسی و نوع دوستی است. همین که ما به پیروی از عقل و وجدان اخلاقی خود، مال و ثروت خود را در راه یاری تهیدستان و نیازمندان و بدون توقع اجر و حق شناسی، صادقانه صرف می‌کنیم،

فطرت مادر وجود ما بیدار شده و بر ایمان و اخلاق ما چیره گشته، ما را به سنت مقدس نیکی کردن، پایبند می‌کند هنگامی که کسی به ما نیکی می‌کند و ما را از یک گرفتاری و دشواری می‌رهاند، به یقین، ما او را دوست می‌داریم و می‌کوشیم به او کمک کنیم و پاسدار یاری و محبت او باشیم؛ با این باور که «کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» هر انسانی در گرو اعمال خویشتن است و اعمال نیک هر انسانی به نفع خود اوست».

اینجاست که برای ما نوعی وظیفه و شایستگی به وجود می‌آید و ما، ارجمندی و شرف معنوی خود را در بروز عاطفه و حس انسانی ویژه‌ای می‌بایم و به این ترتیب، نیکوکاری در وجود ما جایگزین می‌شود و با راهنمایی عاطفه و عقل، به آرامش و آسایش می‌رسیم.

این وظیفه انسانی، ما را بر آن می‌دارد که نسبت به دیگران و فرودستان، بی‌توجه نباشیم و از اندوختن و مصرف بیش از حد ثروت، پرهیز کنیم و تدبیر و مصلحت ما در این می‌شود که نگذاریم در جامعه انسانی ما، فاصله‌ها زیاد شود و اختلاف و ناهماهنگی‌ها در زندگانی ما پایدار بماند وظیفه‌ای که سنت مقدس نیکوکاری بر عهده ما انسان‌ها گذاشته است، همان کاری است که ملک زاده این حکایت، انجام داده است، با این پند و اندرز که تا آدمی، کار خیر و عمل نیک انجام ندهد، یعنی علم را به عمل درنیآورد، سودی برای خود و جامعه نخواهد داشت؛ همان گونه که تا عود در صندوقچه هست، بو و سودی از آن بر نمی‌خیزد، مگر آنکه آن را بر آتش بگذاریم تا بسوزد و مانند عنبر، بوی خوشی از خود در هوا پخش کند؛ بوی خوش آدمی هم، نام و کار خیر اوست. بنابراین، وظیفه انسانی و مصلحت اجتماعی ما این نیست که فقط به فکر خود و برآوردن حاجت‌ها و نگهبان ثروت شخصی خود باشیم، فراموش نکنیم که:

سود دنیا و دین، اگر خواهی
مایه هردوشان، نیکوکاری است
راحت بندگان حق جستن
عین تقوا و زهد و دین‌داری است
گر در خلد را کلیدی هست
بیش بخشیدن و کم‌آزاری است



حکایت سوم: نظر آفتاب

هشتمین خلیفه عباسی، اتفاقی قرار می‌گیرد. نقش پیرمرد خارکن، نماینده مردم نادار و ضعیف و نقش خلیفه معتصم، نماینده مردم دارا و قدرتمند و مسئول اجتماعی در این حکایت، مضمون‌آفرینی است تا از این راه، تأثیر مفهوم کرم و بخشش و کار خیر را در زندگانی انسان‌ها، در ذهن خواننده باقی گذارد. این حقیقت که برخی انسان‌ها در برخی زمان‌ها، شایستگی رسیدن به برتری و فضیلت انسانی را پیدا می‌کنند و روح شیطانی در آن‌ها گم می‌شود و سایه‌ای از رحمت الهی می‌مانند و پروردگار، با قدرت بی‌همتای خود، میان دو انسان در دو پایه اجتماعی متفاوت، ارتباط کامل برقرار می‌کند و نشان می‌دهد که تمام نیرو و تکاپوی ما انسان‌ها، از یک روح بزرگ سرچشمه می‌گیرد و بردباری از شتاب‌زدگی، همت بلند را آشکار می‌کند و رفتار با رحمت و محبت نسبت به مردم، فضیلت روانی انسان‌ها را بیشتر کرده، در زندگانی انسان‌ها اثر مطلوب می‌گذارد.

آورده‌اند که معتصم، روزی نشاط شکار فرموده بود. دراثنای آن، از چشم خلق دور افتاد. در آن راه، به موضعی رسید. پیری را دید که خری را با بار خار، در وحل افتاده و پیر، منتظر مانده تا کسی برسد و او را یاری دهد. چون معتصم برسد و حیرت آن پیر بدید، از اسب فرود آمد و او را یاری کرد تا بار، بر پشت خر نهاد. آن‌گاه برنشست و او را پنج هزار دینار فرمود. خود بگذشت و به شهر آمد. پیر، خر را بفروخت و اسبی خرید و آن خانه بفروخت و کوشکی خرید. پیر را گفتند: «این اسب از کجا آورده‌ای؟». گفت: «روزی کریمی بر ما بگذشت و به نظر کرم در ما نگریست و این، از اثر نظر اوست و نظر آفتاب، این خاصیت دارد که سنگ را لعل گرداند و خار را گل برویاند». بنیاد این حکایت، بر پایه یک رفتار اخلاقی و حس بزرگ انسانی، شکل گرفته است. هدف نویسنده در این حکایت، بازتابانیدن نتیجه‌ای اخلاقی و کرم و کرامت انسانی در قالب یک متن روایی است؛ پیر خارکن در برابر ابواسحاق بن رشید (در گذشته: ۲۲۷ ق)،

نتیجه‌گیری

اخلاق و عقل و عاطفه بی‌دریغ آدمیان را در آن‌ها بیدار کنند و به رشد برسانند و با تلاش‌های خالصانه و صادقانه، پرده‌های تاریکی نفس و خواهش‌های طبیعی و نفسانی را که چهره فطرت‌ها را پوشانیده، کنار بزنند و ارزش‌های نیک انسانی و مکارم اخلاقی را در همگان زنده نگاه دارند و میل به درست‌کاری، نیکوکاری و شفقت به دیگران را در جامعه بیفزایند و از این راه، دغدغه خدمت به خلق داشتن، همبستگی اجتماعی و آرامش خاطر نهادهای مدنی را تداوم بخشند تا انسان‌ها بتوانند با وارستگی و شایستگی، عمر خود را وقف محرومان جامعه کنند.

هر گه که دل به عشق دهی، خوش دمی بود
در کار خیر، حاجت هیچ استخاره نیست

برخی واژه‌ها در هر زبانی، کاربردی ویژه دارند. واژه «خیر» در زبان و فرهنگ ما ایرانیان نیز کاربردی پرمعنی و گسترده یافته است. وقتی می‌گوییم: «خیر در خونه صاحبش رو می‌زنه» به برگشت خیر سمت نیکوکار اشاره کرده‌ایم. انسان‌های نیکوکار، هیچ‌گاه از پیمان فطری خود سر باز نمی‌زنند. بسیاری از ناهمتایی‌ها، ناراحتی‌های روانی و اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از رویگردانی انسان‌ها از راهنمایی‌های درونی و الهام و عقل؛ یعنی حجت الهی است.

نیکوکاران، انسان‌های با عاطفه و عقل و فهم سرشاری هستند. جامعه‌شناسان، دانشمندان و متولیان تربیت و فرهنگ جامعه، باید با روش‌های منطقی و مؤثر، ایمان،

شب نیکوکاری

حمید خادمی



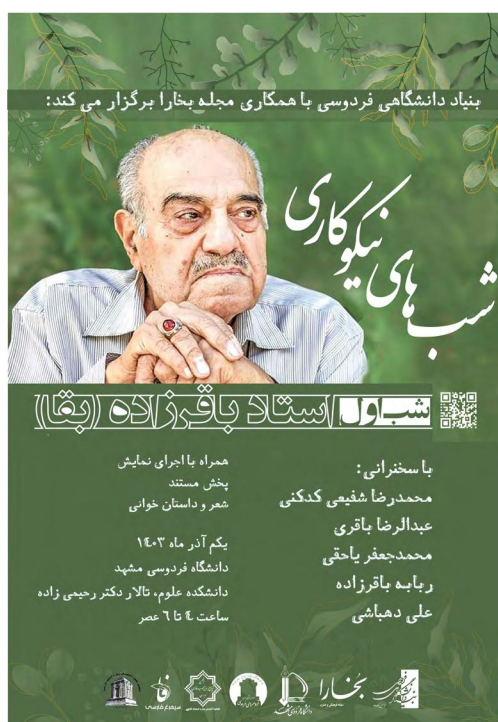
در دنیای امروز تبلیغات و اطلاع‌رسانی شریان حیاتی هر ساختاری محسوب می‌شود. خیریه‌ها و سازمان‌های نیکوکاری هم از این قاعده مستثنی نیستند و برای ادامه و گسترش کار خود به ایجاد بایگانی، اطلاع‌رسانی وسیع‌تر و دعوت پیوسته افراد جامعه به انجام کارهای خیر نیاز دارند. از آنجا که پدیده نیکوکاری علمی در کشور ما فعالیتی نوپا به شمار می‌رود اهمیت کار فرهنگی و تبلیغ گسترده در این زمینه دوچندان است.

بنیاد دانشگاهی فردوسی نیز با در نظر گرفتن این موارد و در آستانه بیستمین سالگرد تأسیس خود، زیرشاخه تازه‌ای به این بنیاد اضافه کرده است. کارگروه رسانه بنیاد دانشگاهی فردوسی ابتدای تیرماه امسال به همت آقای دکتر باقری و آقای دکتر قبول تشکیل شد. اعضای این کارگروه جمعی از دانش‌آموختگان و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد هستند. هدف اصلی این کارگروه شناساندن هرچه بیشتر بنیاد دانشگاهی فردوسی به دانشجویان، جذب خیران و تشویق آن‌ها به نیکوکاری علمی و وقف دانشگاهی و همچنین توسعه اقدامات مالی و معنوی بنیاد در راستای کمک به دانشجویان است.



برای نیل به این هدف کارگروه اقدامات گوناگونی را آغاز نموده است که عبارتند از:

۱. تولید محتوای متنی، صوتی و تصویری در راستای فعالیتهای بنیاد
۲. مستندسازی اقدامات بنیاد
۳. تهیه فیلم مستند استاد علی باقرزاده (بقا)
۴. انجام مصاحبههای تصویری با نیکوکاران
۵. گردآوری مطالب متنوع جهت انتشار ویژهنامه استاد بقا
۶. راهاندازی دو میز در دانشکدههای ادبیات و الهیات برای شناساندن بنیاد و جذب دانشجویان علاقمند به همکاری
۷. برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و دانشجویانی که قبلاً از کمکهای بنیاد بهره‌مند شده‌اند
۸. برنامه‌ریزی جهت برگزاری مراسم شبهای نیکوکاری در دانشگاه فردوسی
۹. نوشتن زندگی‌نامه نیکوکاران در قالب داستانهای کوتاه و بلند
۱۰. برگزاری کارگاههای آموزشی برای تربیت نویسنده، بازیگر و کارگردان از میان دانشجویان مستعد و دیگر علاقمندان
۱۱. برنامه‌ریزی برای ایجاد جشنواره سالانه در رشته‌های مختلف هنری به نام نیکوکاران



در راستای پیشبرد برنامه‌های مشخص شده، هریک از اعضا مسؤولیت بخشی از کارها را به عهده گرفته‌اند: سرکار خانم دکتر شادی شجیعی و سرکار خانم دکتر صفیه خدای به نوشتن داستان مشغولند، سرکار خانم مریم کفاش طوسی و جناب آقای علیرضا بحرالعلومی فرد مسؤولیت هماهنگی و برگزاری کارگاههای آموزشی را برعهده دارند، جناب آقای حمید خدای به همراه سرکار خانم وحیبه ذاکری فیلم مستند استاد بقا را تهیه می‌کنند، جناب آقای محمدرضا گروهی مسؤول میزهای بنیاد در دانشکده‌ها هستند، سرکار خانم نرگس مولوی امور مربوط به ویژهنامه بقا را انجام می‌دهند و سرکار خانم زینب‌سادات قدسی فر به همراه سرکار خانم الناز نوری مصاحبه‌ها را انجام می‌دهند. نخستین برنامه بزرگ کارگروه، اوایل آذرماه جاری خواهد بود. این مراسم که برای بزرگداشت شاعر و نیکوکار بزرگمنش، شادروان استاد بقا برگزار می‌شود اولین شب از شبهای

علاوه بر همه این‌ها، کارگروه انجام مصاحبه با نیکوکاران و پیشکسوتان عرصه وقف علمی و دانشگاهی (نام‌های بزرگ و ماندگاری چون: مشارزاده، مصلی‌نژاد و...) را در دستور کار خود قرار داده‌است. به این منظور، فهرستی از نیکوکاران تهیه شده و با انجام هماهنگی‌های لازم، گروهی متشکل از دانشجویان عضو کارگروه خدمت بزرگان این عرصه خواهد رفت و با آنان مصاحبه خواهد نمود. این مصاحبه‌ها به صورت متنی، صوتی و تصویری در نشریه و سایت بنیاد قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از برنامه‌های کارگروه رسانه بنیاد دانشگاهی فردوسی در سال ۱۴۰۳، برگزاری کارگاه شعر و ترانه و شب شعر نیکوکاری با حضور عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرای نامی معاصر، خواهد بود. تاریخ برگزاری این برنامه هشتم اسفندماه و مکان برگزاری آن، تالار رودکی دانشگاه فردوسی در نظر گرفته شده است. اعضای کارگروه در تلاشند که این مراسم با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو و به این ترتیب گامی دیگر به سوی شناخته‌شدن هرچه بیشتر بنیاد دانشگاهی فردوسی در میان خانواده بزرگ دانشگاه فردوسی و همچنین عموم مردم برداشته شود.

نشست عمومی کارگروه به صورت منظم و پیوسته در روز چهارشنبه هر هفته، ساعت ۱۰ صبح در محل بنیاد دانشگاهی فردوسی برگزار می‌گردد. در این نشست‌ها، اعضا به ارائه گزارش عملکرد خود می‌پردازند و برنامه‌ریزی‌های لازم برای هر رویداد انجام می‌گیرد. همچنین، در برخی جلسات هفتگی مهمانانی از اعضای هیئت علمی دانشگاه، هنرمندان و مسؤولان مختلف حضور می‌یابند و گفت‌وگوهایی در راستای ارتقای کار کارگروه و استفاده از تجارب بزرگان و فعالان و نیز در جهت گسترش فعالیت‌های بنیاد دانشگاهی فردوسی شکل می‌گیرد.

کارگروه رسانه همچنان در صدد جذب نیروهای کارآمد از میان دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه است و دست‌یاری به سوی همه علاقمندان دراز می‌کند.

نیکوکاری بنیاد دانشگاهی فردوسی است. در این مراسم قرار است از فیلم مستند بقا و نیز کتاب مجموعه داستان‌های کوتاه با محوریت زندگی بقا رونمایی شود؛ همچنین، ویژه‌نامه بقا با مطالبی مثل: مصاحبه با خانواده و دوستان استاد، نقد و بررسی شعرهای او، جستارهایی درباره نیکوکاری علمی و عکس‌های قدیمی در اختیار مدعوین قرار خواهد گرفت. از آنجا که علی باقرزاده (بقا) از بنیان‌گذاران بنیاد بوده است و نخستین نیکوکار علمی دانشگاه فردوسی مشهد به شمار می‌رود اولین شب نیکوکاری به همو اختصاص یافته است؛ با این حال، شبهای نیکوکاری به این مراسم ختم نمی‌شود. کارگروه رسانه در نظر دارد در هر فصل سال، برنامه‌ای برای یکی از خیرانی که با بنیاد دانشگاهی فردوسی همکاری نموده‌اند برگزار کند.

یکی دیگر از اقدامات کارگروه رسانه، راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی است. در گام اول کارگروه چهار کارگاه آموزش نمایشنامه‌نویسی، داستان‌نویسی، بازیگری تئاتر و کارگردانی را تعریف کرده و برای تدریس در هر یک از این کارگاه‌ها سراغ مدرسان دانش‌آموخته و باتجربه و خوشنام در زمینه مربوط رفته است. مدرس کارگاه نمایشنامه مهربانو حورا حق‌شنو، کارگاه‌های پرشماری در این حیطه برگزار نموده‌اند و مدرس دانشگاه نیز هستند. کارگاه داستان با عنوان اصلی از ایده تا اجرا با تدریس سرکار خانم پریسا براتی، دانش‌آموخته ادبیات نمایشی، دومین کارگاه این فصل بنیاد فردوسی است. مورد بعدی، کارگاه بازیگری تئاتر است که زیر نظر جناب آقای حمید درودی، بازیگر توانا و باسابقه مشهدی برگزار می‌گردد. درودی قبلاً دانشجوی ادبیات دانشگاه فردوسی بوده است. کارگاه کارگردانی چهارمین مورد از این کارگاه‌هاست. مدرس این کارگاه بازیگر و کارگردان نام‌آشنا، عباس جانفدا است که علاوه بر داشتن سابقه درخشان در تئاتر، دانش‌آموخته مهندسی برق دانشگاه فردوسی و نیز بنیان‌گذار و دبیر کانون تئاتر دانشگاه فردوسی مشهد بوده‌است. جانفدا قبلاً هم با بنیاد دانشگاهی فردوسی همکاری داشته و خاطرات خوبی را رقم زده است.

شب استاد بقا



شب یکم از سلسله شب‌های نیکوکاری، به همت بنیاد دانشگاهی فردوسی با همکاری مجله بخارا و مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی در غروب پنجشنبه، نخستین روز از آذر ماه سال ۱۴۰۳ در تالار دکتر رحیمی‌زاده دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد به روشنی و شکوه تمام برگزار شد. این برنامه در بزرگداشت یاد شاعر و نیکوکار بزرگ، شادروان «علی باقرزاده» (متخلص و مشهور به بقا) شب استاد بقا نام گرفت.

این قطعه‌سرای نام‌دار خراسانی، در ۱۱ تیر ماه سال ۱۳۰۸ در مشهد مقدس متولد شد و در ۱۸ آذر ماه سال ۱۳۹۵ در همین شهر بدرود حیات گفت. پیکر بی‌جان او در مقبره الشعراي خراسان، در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی به خاک سپرده شد. وی اصالتی یزدی داشت و در مشاغل و مسؤولیت‌های متعددی ایفای نقش کرد. در نوجوانی تفسیر علوم اسلامی را در محضر میرزا علی‌اکبر نوغانی و محمدتقی ادیب نیشابوری آموخت و در ادبیات و شعر از مکتب و اندیشه شادروانان استاد همایی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، دکتر فیاض، محمود فرخ و فروزان بهره‌مند شد. او هم‌گام با تقویت ذوق شعری و ادبی خویش، در زمینه‌های صنعت، تجارت و کشاورزی نیز فعالیت داشت و عضو هیئت‌مدیره شرکت ثابت (کارخانه قند فریمان) بود. آثار مکتوب بسیاری از او به جای مانده که از جمله آن‌ها می‌توان به دیوان شعرش با نام «زال بقا»، «بزم محبت»، «سیر آفاق»، «یاد مادر»، «ده مقاله»، «نسیمی از دیار خراسان» و سفرنامه‌ها و قطعه‌های وی اشاره کرد. بقا - که با کتاب رفاقتی دیرینه داشت - بخش قابل توجهی از کتابخانه شخصی بزرگ و ارزشمند خود را به کتابخانه وزیری یزد اهدا کرد. او که در سال ۱۳۷۸ به عضویت هیئت‌امنان دانشگاه فردوسی مشهد درآمده بود در ساحت نیکوکاری به ساخت دو مدرسه در روستای علاقه، چند مدرسه و یک هنرستان در منطقه ۵ مشهد و همچنین خوابگاه دانشجویان برای این بنیاد پرداخت.

این رخداد همایون و بدعت نیک به ابتکار کارگروه رسانه بنیاد دانشگاهی فردوسی و با هدف آگاهی‌رسانی، تبلیغ و ترویج کنش و فرهنگ نیکوکرداری انجام گرفت. بنیاد دانشگاهی فردوسی در نظر دارد برگزاری شب‌های



در ادامه مراسم، جناب آقای علی دهباشی، صاحبامتیاز و مدیرمسئول مجله بخارا به عنوان سخنران و مجری این رویداد نیک به روی صحنه آمد و پس از بیان چند کلامی در خصوص بقا، از دکتر محمدجعفر یاحقی، مدیرعامل خردسرای فردوسی، دعوت به عمل آورد تا به روی صحنه بیاید و درباره ابعاد مختلف این شخصیت سخن بگوید. دکتر یاحقی، بقا را نمونه بی‌همتای پیوند میان فرهنگ، ادب و صنعت خواند و در بخشی از سخنرانی خویش، از خاطرات شیرینش با بقا یاد کرد. وی در اشاره به اثرگذاری عمیق این شخصیت فرهنگی بر جامعه دانشگاه فردوسی مشهد، اضافه کرد که بیش از پنجاه سال با او الفت و دوستی داشته و به توصیه وی، سفر را به‌مثابه فرصتی برای مطالعه و پختگی اندیشه در اولویت زیست خود قرار داده است.

او همچنین بقا را در تمام عرصه‌های ادبیات، فرهنگ و زیست شخصی‌اش منحصربه‌فرد و دارای نگاهی روشن معرفی کرد و متذکر شد که او، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مردمی و ادبی خراسان بود که نامش بر دفتر این خاک ادیب‌پرور، به تابندگی حک شده است. این استاد زبان و ادبیات فارسی همچنین اضافه کرد که باقرزاده از حافظه‌ای شگفت، ذوقی سرشار و روحی لطیف برخوردار بود و با نگارش چندین کتاب شعر و کنش نیکوکارانه‌اش توانست تأثیری عمیق بر نسل‌های

نیکوکاری را با جدیت و به شکلی منظم پیگیری نماید. نخستین خشت از این بنای آباد و بلند در راستای بزرگداشت مقام استاد باقرزاده، به نام «بقا» مزین شد و امید است که در آینده نزدیک شب‌های نیکوکاری با نام و یاد دیگر همیاران زمینی یا آسمانی بنیاد برگزار شود. در این مراسم برنامه‌های متنوع فرهنگی، هنری و ادبی، با مضمون و درون‌مایه سپاسمندی از استاد بقا و نیز ترویج فرهنگ نیکوکاری علمی اجرا شد. پس از پذیرایی ابتدایی، به محض پر شدن سالن شش‌صد نفره دانشکده علوم، نماهنگی از تصاویر این شخصیت مؤثر و ادیب پخش شد. بعد از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و معرفی بنیاد دانشگاهی فردوسی، نماهنگی از معرفی شب‌های بخارا برای مخاطبان این رخداد فرهنگی به نمایش گذاشته شد.

همچنین در خلال برگزاری این نشست فرهنگی، ویژه‌نامه استاد علی باقرزاده «بقا» با همکاری اعضای محترم کارگروه رسانه اعم از دکتر فرخرو شهابی و بانو نرگس مولوی و حمایت بنیاد دانشگاهی فردوسی، ویژه بزرگداشت ایشان تهیه و توزیع شد. در این ویژه‌نامه، به ابعاد مختلف زندگی مرحوم باقرزاده از تجارت و کشاورزی تا شاعری و از خانواده‌دوستی و مهمان‌نوازی تا نیکوکاری علمی و مدرسه‌سازی پرداخته شده است. گفتنی است که در این ویژه‌نامه، مصاحبه‌ای ویژه با مهندس علی‌اکبر باقرزاده، فرزند این شخصیت برجسته ادبی، و همچنین گفت‌وگویی با دکتر محمدجعفر یاحقی منتشر شده است. از دیگر بخش‌های مرتبط با شخصیت استاد بقا می‌توان به ارائه عکس‌ها و آلبوم‌های این شاعر قطعه‌سرای فقید، سال‌شمار زندگی، شعر و داستان‌هایی در وصف ایشان، بررسی قطعات بقا، پیام شخصیت‌های مهم کشور در سوگ ایشان و نقاشی پرتره اشاره کرد. افزون بر این، در ویژه‌نامه بقا به موارد مختلفی از جمله ادبیات نیکوکاری، معرفی نیکوکاران ایرانی و خارجی، وقف‌نامه‌های علمی مربوط به دوره صفویه، نیکوکاری در سطح بین‌الملل و... نیز پرداخته شده است.

باقرزاده در تأمین زیرساخت‌های رفاهی این دانشگاه اشاره کرد و گفت در دهه هفتاد شمسی، دانشجویان به سبب کمبود خوابگاه‌ها به ناچار در مسافرخانه‌ها یا منازل استیجاری مردم سکنی می‌گزیدند. این امر آسیب‌های اجتماعی بسیاری به همراه داشت و ایشان با اهدای زمین شخصی خویش و جلب حمایت‌های مردمی، توانست نخستین خوابگاه دانشجویی را برای رفع این مهم بنا نهد. دکتر باقری افزود که اینک، این بنیاد خیریه فرهنگی با الهام از عمل ارزشمند باقرزاده به اختصاص بالغ بر چهل و پنج هزار مترمربع فضای خوابگاهی با ظرفیت دوهزار و دویست تخت است. وی در پایان سخنرانی خود، اظهار امیدواری کرد که با برگزاری نشست‌هایی این چنین و بزرگداشت مقام افرادی از این دست، جریان نیکوکاری فرهنگی ادامه یابد و باشد که دانشگاه فردوسی مشهد به الگویی درخشان در این زمینه مبدل شود.

در ادامه مراسم شب استاد بقا، ربابه باقرزاده، فرزند ارشد استاد علی باقرزاده، به روی صحنه آمد و در شب بزرگداشت پدرش، وی را شاعری با مطالعه و مردی نیک‌کنش توصیف کرد. سپس به بیان نکاتی در باب شخصیت وی و خاطراتی از او پرداخت. فرزند این شاعر نیکوکار اذعان داشت که پدرش در جوانی به سوگ ازدست‌دادن پدر نشست و از سال ۱۳۲۶ مسئولیت زندگی مادر و چهار خواهر کوچک‌تر خویش را بر عهده گرفت. به همین سبب، علی باقرزاده جوان با وجود علاقه‌مندی فراوان به کسب دانش و ادامه تحصیل،

بعد از خویش بگذارد. وی همچنین به طبع بلند، فروتن و سخاوتمندانه این شخصیت گرامی در دوستی با انسان‌ها از پیر و جوان تا استادان دانشگاه، مهندسان، پزشکان و خدمت‌گزاران اجتماع اشاره کرد و حضور مهن‌نوازان، صمیمی و فعالانه او را در اغلب محافل ادبی کوچک و بزرگ سطح شهر ستود. مدیرعامل خردسرای فردوسی در بیان سبک و ویژگی‌های شعر بقا افزود که وی در قالب‌های غزل و قطعه سبکی ساده و دل‌نشین داشت و هرگز برای به رخ کشیدن ذوق شعری خویش از صنایع ادبی پیچیده بهره نمی‌برد بلکه همین بیان ساده، بی‌پیرایه و لطیف سبب‌ساز جذابیت شعر و شخصیت وی میان جامعه ادب‌دوستان شده بود.

پس از اتمام سخنرانی دکتر یاحقی، به دعوت مجری ارجمند شب‌های بخارا، رئیس هیئت‌امنان بنیاد دانشگاه فردوسی مشهد، دکتر عبدالرضا باقری، به روی صحنه آمد. او در آغاز به مهمانان مراسم خوش آمد گفت و سپس در خلال سخنرانی خود از علی باقرزاده به عنوان نامی ماندگار در توسعه اجتماعی و علمی یاد کرد. دکتر باقری در ادامه به قدردانی از خدمات متعدد فرهنگی و ادبی، نیکوکارانه باقرزاده پرداخت و نقش این شاعر نام‌دار پیش‌کسوت در کارآفرینی را میراثی ارزشمند خواند که می‌تواند الهام‌بخش جامعه غنی و فرهنگ‌پرور ایران در اقصی نقاط کشور و حتی جهان باشد. وی همچنین ضمن بازنمایی وجوه مختلف شخصیت بقا، او را چهره‌ای تأثیرگذار و همه‌جانبه خواند که در اغلب عرصه‌های فرهنگ و ادب ایران نقش بسزایی ایفا کرده است. دکتر باقری با تأکید بر جنبه نیکوکارانه و روحیه کارآفرینی بقا، وی را الگویی تمام‌قد در پیوند فرهنگ و مسئولیت اجتماعی دانست و به این نکته اشاره کرد که استاد علی باقرزاده در نحوه به کارگیری ثروت و مهارت خویش در خدمت توسعه فرهنگ اجتماع بسیار خلاق و هوشمند بود. رئیس هیئت‌امنان بنیاد دانشگاهی فردوسی اضافه کرد که اقدامات اثرگذار بقا در ایجاد و شکل‌گیری زیرساخت‌های دانشگاه فردوسی مشهد غیر قابل چشم‌پوشی است. او برای نمونه به کمک‌های



در خاطر همگان به نیکی و جاودانگی جاری است. سپس این رویداد با دعوت از دوستان قدیمی و شاعر بقاء، آقایان دکتر یحیی حدادی ابیانه، محمودرضا آرمین و اسفندیار جهان‌شیری ادامه یافت. این سه شاعر پیش‌کسوت هر کدام شعری در تقدیر از یار دیرین خویش خواندند. سپس آقای علیرضا بحرالعلومی فرد، یکی از دانشجویان مقطع دکتری ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی هم برای خواندن سروده خود با عنوان «بقای جاودان» به روی صحنه آمد.

با پایان یافتن شعرخوانی‌ها، نوبت به پخش پیام تصویری دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی رسید. این بخش به همت خانم دکتر شادی شجیعی و با تدوین امیرحسین زهانی آماده شده بود. دکتر شفیعی در پیام تصویری خود به فعالیت پنج انجمن ادبی در خراسان آن روزها اشاره داشت و جلسات وزین انجمن‌های فرخ، نگارنده و قهرمان را در ابتدای قدم نهادنش در مسیر سرایش شعر، میعادگاه دوستی و رفاقتش با بقاء معرفی کرد. وی جایگاه شعری علی باقرزاده را به‌عنوان شاعری کلاسیک و قطعه‌سرا ارزشمند تلقی کرد و در بُعد نیکوکاری نیز به تحسین ایشان پرداخت و گفت باقرزاده توفیق بهره‌گیری معنوی و فرهنگی از ثروتی را که نصیبش شده بود، در زمان حیات خود پیدا کرد.



مجال نیافت تا مدارج عالی دانشگاهی را طی کند. آن دوره، تمامی امورات منزل و اداره تجارتخانه و کشاورزی در ملک شخصی را خود به‌عهده داشت. وی با مطالعه کتب تاریخی و ادبی و مصاحبت با استادان خردمند این حوزه، توانست دانش، قریحه ادبی و ذوق شاعری خویش را ارتقا بخشیده و با تلاش و پشتکار، همواره اهتمام ورزید تا به بهترین نحو ممکن نقش خود را در انجام تمام مسؤولیت‌هایی که عهده‌دار بود ایفا کند. استاد بقاء همواره برای شعر و ادب حرمتی ویژه قائل بود. او اغلب اشعار خود را با زبانی ساده در مضامینی چون نیکی و مهربانی و دستگیری از دیگران و به صورت پند و اندرز دوستانه سرود. وی با شرکت در انجمن‌های ادبی بسیار و مداومت ورزیدن در خواندن آثار برجسته ادبی و بهره‌گیری از حافظه قدرتمندش، همواره دانش اکتسابی خود را بهبود می‌بخشید. دختر این شاعر خیر، همچنین در باب وجوه ادبی شعر بقاء افزود که او معتقد بود شاعر باید مدام در حال مطالعه باشد و نه تنها رفتارش، بلکه کردار و گفتارش نیز الگوی اخلاق‌مداری و زیستی انسانی برای اجتماعش باشد. ربابه باقرزاده اذعان داشت که در زندگانی بقاء دو عامل برجسته خودنمایی می‌کند: نخست، مطالعه روزانه کتاب‌های مختلف گاهی تا پنج ساعت در روز و دوم، اشتیاق انکارناپذیرش به جهان‌گردی و کشف فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف جهان. این دو عامل تأثیر شگرفی بر زیست سعادتمندانۀ بقاء داشته است. وی همچنین صفاتی چون توکل مداوم به ایزد یکتا، حق‌شناسی، مثبت‌اندیشی، نکته‌دانی و تیزبینی، خوش‌کلامی، وقت‌شناسی، بذله‌گویی، کم‌توقعی، راست‌گویی، امانت‌داری، پشتکار، آینده‌نگری، خیرخواهی، عزت نفس، راضی بودن به هر آنچه هست و مشورت‌اندیشی را از رموز موفقیت پدرش در این عرصه برشمرد. خانم ربابه باقرزاده، در پایان بیانات خویش به این نکته نیز اشاره داشت که پدرش، هنر زندگی را نیک آموخته بود، آموخته‌هایش را نیز نیک به کار بست و یادش نیز



نیکوکاری، شادی شجیعی همراه با نمایش تصویری از علی باقرزاده یکی از داستان‌های کتاب را برای حضاران خواند. این داستان روایت یکی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد است که می‌خواهد برای تحصیل در نابسامان اقتصادی، توانایی مهاجرت تحصیلی را ندارد. با آگاه شدن بقا از احوالات این دانشجوی نخبه و کمک مالی بی‌دریغ وی، دانشجو موفق می‌شود به هندوستان سفر کند. روایت از جایی آغاز می‌شود که این جوان دانشمند پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع دکتری به ایران بازگشته است برای دست‌بوسی و عرض ارادت و احترام به منزل استاد می‌رود. او در این دیدار، قصد دارد از بقا بپرسد که چگونه می‌تواند قرض خود به استاد را به‌صورت اقساط بازپرداخت کند اما درضمن گفت‌وگو با بقا متوجه می‌شود که وی بنا ندارد پول را از او بازپس گیرد. استاد باقرزاده از دانشجوی داستان می‌خواهد هر زمان که توانایی‌اش را داشت، به دانشجوی دیگری برای ادامه تحصیل کمک مالی کند تا این چرخه ادامه یابد و نیکوکاری علمی همواره در جریان باشد.

سپس، بخشی از مستند استاد بقا برای مهمانان این شب نیکوکاری به نمایش درآمد. این مستند کوتاه اثری تلفیقی است و از تدوین فیلم جناب آقای محتشمی و فیلمهای دیگری از گفت‌وگو با دوستان این شاعر گران‌قدر و همچنین تصاویر و ویدئوهایی از لوازم و اتاق زنده‌یاد استاد علی باقرزاده فراهم آمده است. مستند استاد بقا به کارگردانی آقای حمید خادمی و همکاری خانمها فرشته مشهدی، مریم کفاش طوسی، زیبا قدسی‌فر و آقای بحرالعلومی فرد تهیه شده است. در ادامه نخستین شب نیکوکاری، اجرای زنده موسیقی سنتی با هنرمندی دو تن از دانشجویان دانشگاه به نام‌های امیرحسین خانلقی و محمد غلامی مورد توجه و تحسین بسیار حضار قرار گرفت. خانلقی ضمن نواختن ساز سه‌تار، سه شعر از سروده‌های استاد بقا را با آواز اجرا کرد. غلامی هم با ساز تنبک او را همراهی می‌نمود.

این استاد برجسته و چهره ماندگار ادب کشور، با تأکید بر خدمات ارزشمند بقا به فرهنگ و ادب خراسان و ساخت چندین مدرسه در مناطق روستایی این استان و خوابگاه متاهلان برای دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، اذعان داشت که به‌زعم وی امروز وجه نیکوکارانه این شخصیت از مقام شعری او سبقت گرفته و این مهم را توفیق بزرگی خواند که به هر انسانی دست نمی‌دهد. شفیعی کدکنی در پایان پیام تصویری خویش به جوانان شاعر خراسان توصیه کرد که اهتمام ورزند تا حرمت جایگاه شعر و ادب این وادی را پاس دارند و این جایگاه را ارتقا دهند. از دید او همان‌گونه که از دیرباز این خاک شاهد درخشش رودکی، فردوسی، عطار، مولوی و خیام بوده است امروز نیز باید برای اکنونیان و آیندگان در صدر قرار گیرد و چونان گذشته، شعر خوب از خراسان به دست مردم برسد. وی افزود در شعر نباید برای شاعر تکلیف تعیین کرد که چه‌طور شعری بسراید و شعر جوششی خوب خراسانی همواره آبروی این خطه بوده است و باید حرمتش را نگاه داشت.

پس از پخش پیام تصویری دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، نوبت به داستانی از کتاب «بقای نیک‌نامی» رسید. نسخه اولیه این کتاب هم در دسترس مهمانان مراسم قرار گرفت. نویسنده این کتاب، دکتر شادی شجیعی، با جمع‌آوری روایت‌هایی از زندگی استاد علی باقرزاده داستان‌هایی کوتاه خلق کرده است. شجیعی تلاش کرده تا وجوهی از این شخصیت برجسته را در قالب داستان کوتاه به نگارش درآورد. همچنین شایان ذکر است که نویسنده، در جمع‌آوری روایت‌ها از هم‌کلامی با دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر عبدالرضا باقری و مهندس علی‌اکبر باقرزاده، فرزند استاد بقا، در توصیف و متجلی ساختن هرچه بهتر شخصیت بقا بهره جسته است. در مقدمه این کتاب، دکتر شفیعی کدکنی یادداشتی در بزرگداشت دوست دوران جوانی خود، استاد بقا، نوشته و انجمن‌های ادبی آن دوران در خراسان و به‌ویژه مشهد را معرفی کرده است. در این بخش از رویداد نخستین شب

آهنگسازی و تنظیم این قطعات موسیقی را هم دو نوازنده به عهده داشتند. بخش اجرای موسیقی شور و حال فراوانی به مراسم بخشید و ابزار احساسات جمعیت حاضر در سالن را در پی داشت.

پس از اجرای موسیقی، نوبت به اجرای نمایش «در سایه مهر» به نویسندگی و کارگردانی مشترک مهربانوان حورا حق‌شنو و پریسا براتی رسید که هر دو از مدرسان دانشگاه و عرصه تئاتر و سینما هستند. این نمایش که به همت جمعی از دانشجویان هنر دانشگاه‌های مشهد هم‌سو با مضمون این رویداد و با تمرکز بر اهداف و نتایج درخشان بنیاد دانشگاهی فردوسی به مناسبت بزرگداشت استاد بقا در تالار علوم دانشگاه فردوسی مشهد به روی صحنه رفت در چهار پرده نوشته شده بود که دو پرده ابتدایی و انتهایی آن، به شیوه روایت موازی با پنج کاراکتر محوری از نقاط مختلف کشور پیش رفت. مخاطبان شاهد منولوگ‌هایی از زبان شخصیت‌های نمایش بودند: لیلا، کژوان، نرگس، مهرداد و ترنج به ترتیب با لهجه‌های شیرین مشهدی، کردی، شیرازی، اصفهانی و گیلکی. گفتنی است که هر یک از کاراکترهای این نمایش اپیزودیک، با مشکلاتی در مسیر ادامه تحصیل روبه‌رو هستند و در خلال پیش‌روی روایت، مخاطب مسئله هر یک از آنها را درمی‌یابد. هدف این تئاتر کوتاه بازنمایی اثرگذاری روشن و نیک حضور بیست‌ساله بنیاد دانشگاهی فردوسی مشهد و به‌ویژه کمک‌های خیرخواهانه استاد بقا در ساخت خوابگاه‌های دانشجویی و حمایت مالی از شخصیت‌های محوری ساخته شده بود. سرانجام گرهِ‌های مادی این شخصیت‌ها در نقش دانشجویان جدیدالورود، به دست این بنیاد خیر فرهنگی رفع می‌شود. دیگر عوامل اجرایی این اثر نمایشی که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد، عبارت‌اند از:

بازیگران: صفورا اردکان، مرسانا برازنده، علی‌رضا پارسه، درسا خطیبی، علی جمشیدی، منصوره موسوی، امیرحسین نجف‌پور و آیدا کوهستانی

منشی صحنه: عسل محسنی

دستیار کارگردان: فاطمه سادات حامدی

طراح و مجری گریم: هستی افشین‌پور

طراح و مجری لباس: غزل ذی‌الغزل

طراح و مجری صحنه و پوستر: معراج سعیدی

طراح و مجری نور: تینا علمدار

طراح و مجری صدا: یگانه امیدوار مقدم و ارمیا بسکابادی

ساخت تیزر و تبلیغات: فاطمه سعادت‌مند و عکاس: سحر سعیدی.



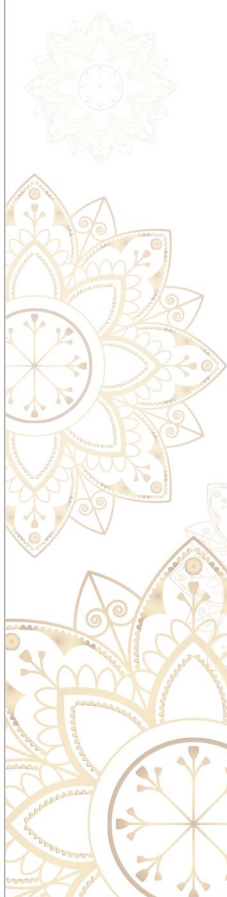
در پایان این رویداد نیک، مراسم قدردانی از علی دهباشی و دکتر احسان قبول، با حضور اعضای هیئت‌مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی و همراهی دکتر محمدجعفر یاحقی برگزار شد و به هر دو بزرگوار لوح تقدیر و هدیه اهدا گردید. سپس، این جمع از باقی دست‌اندرکاران این مراسم و گروه‌های تئاتر، موسیقی، داستان‌نویسی، مستندسازی، رسانه و عکس، ویژه‌نامه و همچنین عوامل اجرایی تقدیر به عمل آوردند و با ثبت عکسی به یادگار، شب نخست نیکوکاری به پایان رسید.



مژگان حسن پور

به روان آرام استاد بقا

من ندیدم تو را بقا اما	دیده ام کارهای نیک تو را
در جوانی شدی یتیم اما	مادرت را نداشتی تنها
بهفت خواهر تو را پدر خواندند	با وجودت ز سینه غم رانند
گرچه بودی جوانی ات شاغل	نشدی تو ز علم هم غافل
با دو استاد هم ادیب و رسا	سال ها هم نشین شدی تو بقا
بوده ای با جمال زاده رفیق	اهل علم و پژوهش و تحقیق
وقف کردی کتاب هایت را	توبه درگاه مغوی رضا (ع)
در علاقه دو مدرسه داری	نام نیکت چنین گنجد داری
آن زمینی که وقف دانشگاهت	خوابگاهی برای تک تک ماست
تو علی وار زندگی کردی	گشته ای اسوه جوانمردی
تا جهان باقی است باقی باد	نام نیک و بلندت ای استاد



معلم نیکوکار



مژگان حسن پور

برگه نادری رسید خیلی تعجب کرد. نادری نوشته بود: «بخشید آقای آراسته! من پاسخی ندارم که بنویسم. فرصت نکردم کتاب را بخوانم. این روزها گرفتاری زیادی دارم. یک کار تحقیقی انجام داده بودم. لطفاً همان را برای نمره امتحان ثبت کنید». آقای آراسته چون دانش آموزش را می شناخت، بدون اینکه به مدیر مدرسه چیزی بگوید، نمره کار تحقیقی را برای علی ثبت کرد. چند روز گذشت و از نادری خبری نشد. آقای آراسته احوال او را از دانش آموزان پرسید؛ اما کسی خبر نداشت آقای آراسته به اتاق بایگانی مدرسه رفت و پرونده نادری را درآورد تا شماره خانه پدر او را پیدا کند و با او تماس بگیرد؛ اما شماره‌ای در پرونده ثبت نشده بود. آدرس خانه آن‌ها را یادداشت کرد تا برود ببیند چرا از علی خبری نیست. وقتی آدرس خانه آن‌ها را نگاه کرد خیلی تعجب کرد. خانه علی با مدرسه فاصله زیادی داشت. با خود گفت: «مگر در آن مناطق دبیرستان نیست که این پسر این همه راه را می پیماید تا به مدرسه بیاید؟» مدرسه که تعطیل شد، در جست‌وجوی خانه علی به راه افتاد. باوجود ترافیک بسیار، دست از تلاش برنداشت و رفت تا خانه پدر علی را پیدا کرد. شب از راه رسیده بود و هوا تاریک شده بود. آقای آراسته ماشین را خاموش کرد و خواست پیاده شود؛ اما صحنه‌ای دید که شوکه شد. او علی را دید که یک گاری دستی به دست گرفته و میوه‌های گوناگون داخل آن چیده است. از ماشین پیاده شد و بدون اینکه علی متوجه شود، او را تعقیب کرد و دید علی در هر چند قدمی می ایستد و فریاد می زند تا آن میوه‌ها را بفروشد. باورش نمی شد که شاگرد اول کلاسش مشغول

ساعت ده صبح بود. نسیم خنکی پرده کلاس درس را تکان می داد. از پنجره به بیرون نگاهی انداختم. بچه‌ها در کوچه توپ‌بازی می کردند. یک ماشین سفیدرنگ مقابل در مدرسه نگه داشت و علی نادری از ماشین پیاده شد. اصلاً او را درک نمی کنم. چقدر پسر گرفتاری است. نمی دانم چرا مدرسه می آید؛ آخر یک روز می آید و یک روز نمی آید. این مدلی که نمی شود درس خواند! با صدای آقای آراسته متوجه کلاس درس می شوم. آقای آراسته می گوید: «بچه‌ها امتحان را که دادید می توانید آهسته کلاس را ترک کنید و به خانه بروید. باز هم که نادری مثل همیشه غایب است. هربار که به او می گویم به پدرت بگو به مدرسه بیاید، یک بهانه می آورد. خدا عاقبت این دانش آموز را به خیر کند».

در کلاس آهسته زده می شود و نادری وارد کلاس می شود. با شرمندگی سر خود را پایین انداخته و می گوید: «آقای آراسته! بخشید. گرفتاری پیش آمد و نتوانستم به موقع به کلاس درس بیایم». آقای آراسته سری تکان می دهد و می گوید: «باز هم مثل همیشه! آخر ما با تو چه کنیم؟ اگر شاگرد اول کلاس نبودی، اجازه نمی دادم امروز در امتحان شرکت کنی. برو بنشین تا برگه‌های امتحان را در بین دانش آموزان پخش کنم». نادری رفت و سر جایش نشست. آقای آراسته برگه‌ها را پخش کرد و به بچه‌ها گفت که بادقت پاسخ دهند. بچه‌ها مشغول پاسخ شدند و پس از پاسخ‌گویی، برگه امتحان را به آقای آراسته دادند و به خانه برگشتند. آقای آراسته تمام برگه‌ها را جمع کرد و با خود به خانه برد. شب در خانه به تصحیح برگه‌ها پرداخت. وقتی به



شد. پزشک معالج با مادر علی صحبت کرد و گفت: «خوشبختانه یک کلیه برای پسر شما پیدا شد». مادر علی با تعجب گفت: «چطور ممکن است؟ من لیست انتظار را دیده‌ام و هنوز افراد زیادی در نوبت‌اند». پزشک لبخندی زد و گفت: «فردی که کلیه‌اش را اهدا کرده، پولی نمی‌خواهد». مادر علی تعجب کرد و پزشک برای عمل جراحی به اتاق عمل رفت. عمل به خوبی انجام شد و علی چند روز در بیمارستان ماند تا کاملاً بهبود یابد. زمانی که خواست از بیمارستان مرخص شود، به اتاق پزشک رفت و اصرار کرد تا بداند ماجرا چه بوده و چه کسی کلیه را به او داده است. وقتی حرف‌های پزشک را شنید، شوکه شد و زبانش بند آمد. از بیمارستان بیرون آمد و یک‌راست به مدرسه رفت. وقتی مدیر را دید سراغ آقای آراسته را گرفت و مدیر گفت که آقای آراسته بازنشسته شده و به همراه خانواده‌اش به زادگاهش در شهرستان برگشته است. مدیر، نامه‌ای را به علی داد و به او گفت: «آقای آراسته در آخرین روزی که در این مدرسه بود از من خواست تا این نامه را به تو بدهم». علی به خانه برگشت و بی‌درنگ نامه را باز کرد. آقای آراسته نوشته بود: «علی جان، وقتی نوجوان بودم پدرم را از دست دادم و مادرم ازدواج کرد و من مجبور شدم با مادر بزرگم زندگی کنم. آن روزها، هم کار می‌کردم و هم درس می‌خواندم تا اینکه وارد دانشگاه شدم و به آرزوی خود رسیدم و معلم شدم. زندگی تو خیلی شبیه زندگی من است. با دادن کلیه خود به تو، خواستم بخشی از دردهای تو را کم کنم تا فقط دغدغه تحصیل داشته باشی و دیگر به بیماری‌ات فکر نکنی. امیدوارم روزی به تمام آرزوهایت برسی. خدانگهدار، آراسته».

اشک در چشمان علی حلقه زد و آرام از گوشه چشمش چکید. کنار پنجره رفت و پرده را کنار زد. برف آرام آرام حیاط را سفیدپوش کرده بود.

چنین کاری است. با دیدن این صحنه برگشت؛ اما نه به خانه خودش، بلکه به در خانه پدر علی رفت و در را کوبید. خواهر کوچک علی در را باز کرد و آقای آراسته یاالله کنان وارد خانه شد. کنار حیاط ایستاد و به دختر کوچک گفت: «به مادرت بگو معلم علی آمده است». دختر رفت و مادر علی با چادری گلدار و سراسیمه دوید سمت حیاط و گفت: «سلام. چه اتفاقی افتاده است؟ علی تازه آزمایش داده، به این زودی حالش بد شد؟ خاک بر سر من، حالا باید چه کار کنم؟». آقای آراسته گفت: «نگران نباشید. برای علی اتفاقی نیفتاده است. فقط آمده‌ام ببینم چرا علی چند روز است به مدرسه نیامده». مادر علی، معلم را به خانه دعوت کرد و فنجان‌های چای مقابل او گذاشت و گفت: «علی هشت سال بیشتر نداشت که پدرش عمر خود را به شما داد. از همان موقع علی با دست‌فروشی در کوچه و خیابان زندگی ما را می‌گذراند. این روزها حال خوشی ندارد. کلیه علی به مشکل رسیده و ما باید هرچه زودتر به فکر یک کلیه برای او باشیم. مشکل اینجاست که هزینه خرید کلیه را نداریم و اگر هرچه زودتر عمل نشود، دیگر کاری از دست پزشکان برنمی‌آید». آقای آراسته چای خود را نوشید و با مادر علی خداحافظی کرد و رفت.

روز بعد وقتی به مدرسه رفت، مدیر مدرسه به او گفت: «آقای آراسته! حکم بازنشستگی شما آمده است. تبریک می‌گویم. سی سال زحمت کشیدید و حالا دیگر وقت استراحت است. آقای محمدی معلم جدیدی است که از امروز به جای شما به دانش‌آموزان درس می‌دهد». آقای آراسته با مدیر و همکاران و دانش‌آموزان خداحافظی کرد و به خانه برگشت. چند روز بعد از طرف بیمارستان با خانه پدر علی تماس گرفتند. مادر علی گوشی را برداشت. به او گفتند فردا صبح به همراه علی به بیمارستان بروند. صبح روز بعد مادر و علی به بیمارستان رفتند و علی بستری

فروغ السلطنه آذرخشی: فروغ زندگی

حمید خادمی



بوده، بازگو کند.

خانم عزیزالملوک آذرخشی در سال ۱۲۹۶ در یکی از محلات اعیان نشین و جدید شهر مشهد به نام محله ارگ متولد شده است. پدرش، علی اکبرخان سرتیپ (سلطانف) اهل تفلیس روسیه و رئیس تلگرافخانه روسیه در شهر مشهد و مادرش فروغ السلطنه آذرخشی، مؤسس نخستین مدرسه دخترانه در شهر مشهد بود.

عزیزالملوک آذرخشی دوران تحصیل ابتدایی و دبیرستان را در مدرسه فروغ به اتمام رسانده و مدتی هم به معلمی در آن مدرسه مشغول بود. در سال ۱۳۱۷ با مهندس عزیزالله شیبانی، تحصیل کرده رشته برق در فرانسه ازدواج کرد. خاطرات خانم شیبانی از بهمن ماه ۱۳۷۷ شروع شده و در تیرماه ۱۳۸۲ به اتمام می‌رسد. این کتاب سرگذشت صدوپنجاه ساله یک خاندان و شرح هشتادوش سال زندگی اوست. او در این کتاب به زندگی نامه تک تک افراد خانواده‌اش پرداخته است و درواقع، این کتاب علاوه بر خاطرات، تاریخ خانوادگی او نیز است.

فروغ السلطنه آذرخشی، دختر قهرمان میرزای قاجار، در سال ۱۲۶۰ متولد شد. جد پدری‌اش، شجاع السلطنه، پسر فتحعلی شاه قاجار بود. این بانوی نیک‌اندیش دبستان فروغ را در شرایطی که تحصیل علم و رفتن به مدرسه برای دختران بسیار مشکل بود، در شهر مشهد تأسیس کرد.

حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی سبب شده بخشی از خاطرات آن‌ها به نحوه برخورد و مشکلاتی که در جامعه داشته‌اند، اختصاص پیدا کند. با ورود زنان به جریان‌های مختلف سیاسی اجتماعی و اقتصادی، شاهد رشد و شکوفایی توانایی‌های این گروه در ابعاد مختلف هستیم. نوشتن خاطرات در بین بانوان، مسئله‌ای جدید است و افرادی که در جریان‌های مختلف سیاسی اجتماعی نقش داشته‌اند، شروع به نگارش خاطرات و نیز اقدام به نشر آن نموده‌اند، اندک هستند. در بین خاطراتی که زنان نگاشته‌اند، کتاب سرگذشت ما: فروغ زندگی: حرکت در تندباد اجتماعی به قلم عزیزالملوک آذرخشی (شیبانی) از جمله کتاب‌هایی است که به مسائل اجتماعی پیرامونش پرداخته و تفاوت عمده این کتاب با دیگر خاطرات منتشرشده، توجه به اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه است که نویسنده با آن در ارتباط بوده است و تمام جریان‌های اجتماعی را نکته‌بینانه در نوشته‌هایش و در قالب خاطرات آورده است.

خاطرات بانوان از مواردی است که موجب می‌شود نقش و حضور زنان در اجتماع معرفی شود. از جمله نقش‌هایی که زنان در اجتماع ایفا می‌کنند، کسب علم و دانش و حضور در مدارس است. با تأسیس مدارس دختران در ایران مخالفت‌هایی از سوی قشر سنتی رخ داد؛ زیرا این گروه عقیده داشتند زنان فقط در امور مربوط به خانه‌داری می‌توانند قابلیت‌های خود را نشان دهند.

خاطرات عزیزالملوک آذرخشی، روایتی از حضور زنان در عرصه علم و دانش در مشهد است. نشر نامک این کتاب را در سال ۱۳۸۷ و ۸۵۶ صفحه منتشر کرده است. در این کتاب برای نخستین مرتبه روایت تأسیس اولین دبستان دخترانه در مشهد تشریح شده است و نویسنده تلاش کرده مشکلاتی که فراروی مدرسه فروغ مشهد



در ۱۵ آذرماه ۱۳۴۲ در سن ۸۲ سالگی دار فانی را وداع گفت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. خاطرات عزیزالملوک آذرخشی در دو فصل نوشته شده است. فصل اول با عنوان «فروغ زندگی» نامه و خاطرات راوی تا ۱۳۳۰ شمسی را در بر دارد. در این فصل خواننده با روزمره‌ترین خاطرات نویسنده آشنا می‌شود. توجه نویسنده به زندگی مردم در گذشته جالب توجه است. نویسنده به مواردی چون اوضاع اجتماعی مشهد، نحوه تأسیس اولین دبستان دخترانه در مشهد، مشکلات تأسیس مدرسه، نحوه برگزاری امتحان‌ها، آداب و رسوم، اعیاد، امکانات شهری در گذشته، حمل و نقل و مسافرت‌های برون شهری و... پرداخته است. گاه، نویسنده به‌طور پراکنده وارد جریان‌های تاریخی شده و با نقل خاطراتی از مسائل تاریخی، خواننده را با آن حوادث آشنا می‌کند.

فصل دوم با عنوان «حرکت در مسیر تندباد اجتماعی» خاطرات سیاسی اجتماعی نویسنده از حوادث بعد از سال ۱۳۳۰ را در بر دارد. با توجه به اینکه همسر نویسنده در صنعت نفت مشغول به کار بوده است، این بخش دربرگیرنده مهم‌ترین مسائل قبل از انقلاب است. وضع اجتماعی مردم بعد از انقلاب و در جنگ تحمیلی از دید نویسنده دور نمانده و به مشکلات زمان جنگ برای خانواده‌های بازنشسته اشاره می‌کند.

این کتاب در عین سادگی، در برخی از موارد با بیان جزئی‌ترین خاطرات، خواننده را با مواردی آشنا می‌کند که در حال حاضر کاملاً فراموش و منسوخ شده‌اند. زندگی دسته‌جمعی و حضور چندین مستخدم در خانه مادری، یادآوری خانه‌های قدیمی و صمیمیت مردمان در گذشته است. هرچند حجم ۸۵۶ صفحه‌ای خاطرات خانم آذرخشی قدری طولانی است، ولی بیان جزئی‌ترین مسائل موجب می‌شود اطلاعات خوبی در این کتاب باشد.

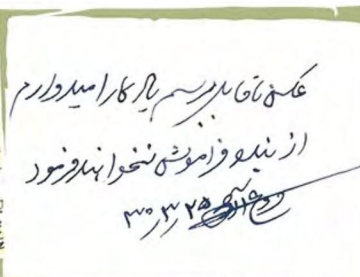
مسئولین آموزشی و فرهنگی آن سال‌ها از این دبستان به‌عنوان ریشه و مبنای معارف جدید مشهد یاد کرده‌اند. این مدرسه در سال ۱۲۹۶ پنج کلاس و هفت آموزگار داشت. خانم فروغ در مسیر راه‌اندازی و اداره مدرسه با مشکلات زیادی دست‌به‌گریبان بود. بودجه مدرسه از شهریه و کمک ماهیانه ۳۰ تومان از شرکت فرهنگیان تأمین می‌شد. در کنار بودجه ناکافی و مشکلات ناشی از آن، بسیاری از متعصبین به روش‌های گوناگون وی را تهدید می‌کردند و از ادامه کار می‌ترساندند؛ ولی او با پشتکار ادامه داد و درمقابل مخالفان ایستادگی کرد و برای جلوگیری از شورش و فتنه، از برپایی جشن افتتاحیه خودداری نمود. در ابتدا کلاس اول با سه دانش آموز و کلاس دوم با چهار دانش آموز دایر شد و با تمام مخالفت‌ها، سرانجام در روز ولادت پیامبر اسلام (ص) جشن افتتاحیه‌ای با خطابه‌های دانش‌آموزان منعقد شد. پس از چندی کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم دایر شدند و در اولین امتحانات نهایی سال پنجم، عده داوطلبان هفت نفر بودند که قبول شدند. در چهارمین سال تأسیس، کلاس ششم نیز دایر شد و بعد از سه سال سیکل اول و دبستان باهم اداره می‌شدند.

در سال ۱۳۱۱ فروغ با کمک اداره معارف خراسان برای مجوز گشایش کلاس‌های کامل متوسطه تقاضا نمود. از سوی اداره معارف خراسان اجازه هفت کلاس صادر شد و از صدور مجوز برای کلاس‌های ۸ و ۹ ممانعت به عمل آمد. در سال ۱۳۱۳ کلاس‌های دوم و سوم دبیرستان افزوده شدند و در ۱۳۱۷ دبستان فروغ با شش کلاس ابتدایی، دولتی شد و نام «فروغ» بر تابلوی آن نقش بست.

خانم فروغ السلطنه آذرخشی در سال ۱۳۳۵ بعد از ۴۲ سال خدمت فرهنگی، بازنشسته شد و اداره فرهنگ خراسان طی مراسمی از خدمات ایشان تقدیر نمود. سرانجام مادر فرهنگ خراسان، مؤسس اولین دبستان و دبیرستان دخترانه مشهد



موقعیت دبیرستان فروغ در کوچه پشت گنبد سبز در نقشه ۱۳۳۳ خورشیدی مشهد



دستخط بانو فروغ آذرخشی



تصویری از تدریس خصوصی دانش آموزی در مشهد در اواخر قاجار

روایت آیین بیستیمین سال تاسیس بنیاد دانشگاهی فردوسی

شامگاه ۲۸ آذر ماه، درست در دو قدمی زمستان که سوز سرما خود نمایی می‌کرد، محفلی گرم در هتل پردیسان مشهد میزبان میهمان ارجمند و مهرورزی بود که از راه‌های دور و نزدیک گرد هم آمده بودند تا ثمره راهی را که ۲۰ سال پیش با همراهی و همگامی شان برای کاشتن نهال‌های عشق و محبت در بنیاد کشیده بودند، شادمانه جشن بگیرند؛ راهی که سبزی و سایه سارش مآمن آسایشی برای آینده سازان ایران خواهد بود.

آیین بیستیمین سال تاسیس بنیاد دانشگاهی فردوسی با استقبال پرشور اقشار مختلف، نیکوکاران، دانشجویان و مسئولان استانی و ملی در هتل پردیسان مشهد برگزار شد.

زهره مودب، مجری توانمند این آیین، با خوشامدگویی گرم و صمیمانه به حاضران و قدردانی از میهمانان، بیستیمین سالگرد تاسیس بنیاد را به تمامی نیکوکاران و یاوران این نهاد تبریک گفت و رئیس هیات مدیره بنیاد را به عنوان نخستین سخنران و میزبان برنامه معرفی کرد.

بنیاد دانشگاهی فردوسی

پیشه‌ای جان یافته از عشق، مهربانی و ایثار

مهندس فرامرز یغمایی، رئیس هیات مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی به عنوان میزبان این آیین، ضمن خیرمقدم به میهمانان با بیانی شیوا و دلنشین، به فلسفه وجودی این نهاد و دستاوردهای آن در طول دو دهه فعالیت اشاره کرد و گفت: رسم است هنگام سال نو، تولد، کیک تهیه و جشن گرفته شود به امید اینکه سال جدید با اهداف نو آغاز شود، اما بنیاد دانشگاهی فردوسی شمع ندارد و بجای آن، هر سال یک نهال دوستی و عشق کاشته و امروز بعد از ۲۰ سال این نهال، تبدیل به یک بیشه شده است.



رئیس هیات مدیره بنیاد اظهار کرد: تغذیه این بنیاد با مهر و محبت شماسست تا بیشه ما سالم بماند و بزرگتر شود و جلوبرود. آرزومندم که شما سالم بمانید، دل‌هایتان مهربان و باهم دوست باشید، حرف هم را گوش کنید به هم عشق بورزید کمک کنید و از محل این عشق بتوانید بخشی را به این بیشه هدیه کنید تا به جنگل تبدیل شود

وی افزود: اگر شما کمک کنید و نظر خیرتان مثل همیشه باشد، آرزو کنید در آینده این بیشه به یک جنگل تبدیل شود. تغذیه این جنگل برخلاف جنگل‌های طبیعی آب و کود نیست، مهربانی، عشق و ایثار است. تا به حال شما هدیه کردید و این بیشه را بارور کردید و برای اینکه این بیشه سالم‌تر بماند و پایدار باشد و آرام رشد کند تا به جنگل مورد نظر تبدیل شود، لازم است که شما تغذیه این جنگل را به عهده بگیرید.

چرا و چگونه بنیاد پایه گذاری شد؟

باقرزاده (بقا) برای آشنایی با مشکلات دانشگاه دعوت به حضور در دانشگاه می‌کند و سپس به کمک ایشان، وزنده یاد سید جواد شهرستانی و مهندس حمید مستشاری، از افراد تاثیرگذار، دعوت به همکاری کرده تا مشکل اسکان دانشجویان رفع شود؛ سپس این گروه از دانشگاه، درخواست قطعه زمینی برای احداث خوابگاه کردند و ساخت خوابگاه و سپس خدمات دیگر آغاز و سرانجام بنیاد دانشگاهی فردوسی تاسیس شد.

در این بخش از برنامه ناهنگی درباره روند شکل‌گیری بنیاد برای حاضران پخش شد که برابر آن، در زمان ریاست دکتر عبدالرضا باقری، رئیس کنونی هیات امنای بنیاد و رئیس پیشین دانشگاه در سال‌های ۷۷ تا ۸۴، دانشگاه با کمبود خوابگاه مواجه بود و دانشجویان به ناچار در پانسیون‌ها، مسافرخانه‌ها و منازل استیجاری در سطح شهر ساکن می‌شدند حادثه‌ای بسیار تلخ برای یکی از دانشجویان دختر ساکن آن اماکن روی داد. رئیس وقت دانشگاه، دکتر عبدالرضا باقری، از زنده یاد حاج علی

به دانشجویان یاد دهید که درمملکت بمانند و اینجا را سرمایه ای برای خود بدانند



مهندس رضا حمیدی، عضو هیات امنای بنیاد دانشگاهی فردوسی، به جایگاه سخنران که آمد با نگاهی دلسوزانه به مسائل آموزشی و صنعتی کشور، بر ضرورت تربیت نیروی انسانی متخصص و همگام با فناوری‌های روز جهان تاکید و اظهار کرد: خیران باید با کمک اساتید و دانشجویان که امید فردای ایران نوین هستند، محصولی بسازند که متناسب با دانش و فناوری روز جهان باشد. متأسفانه در خیلی از موسسات آموزشی چه در بخش فنی حرفه‌ای چه در بخش تئوریک کمبود ابزار به روز دنیا، حس می‌شود.

مملکت است را فراهم می‌کنم برای مثال، بلژیک مخترع فرش ماشینی است نقشه‌های ایران را می‌برد و فرش تولید می‌کرد و به ایران می‌فروخت. خانه فرش ماشینی راه اندازی کردم اکنون در مشهد و کاشان و جاهای دیگر، این صنعت رشد کرده و بیش از ۴۵۰ میلیون دلار صادر می‌شود.

وی که در صنعت چرم، نان و حوله نیز فعالیت کرده‌اند بر ضرورت توجه به نیاز کشور به انرژی‌های پاک مانند: انرژی خورشیدی، باد، زمین گرمایی، موج آب دریا تاکید کرد و خطاب به اساتید دانشگاه فردوسی مشهد گفت: سعی کنید این رشته را تقویت کنید

مهندس حمیدی ادامه داد: به دانشجویان فقط علم و دانش یاد ندهید به دانشجویان یاد دهید که در مملکت بمانند و اینجا را سرمایه‌ای برای خود بدانند.

وی افزود: امروز در هنرستان به جوان تکنسین با ماشین تراش ۴۰ سال قبل آموزش می‌دهیم.

وی با توجه به اینکه خدمت به ایران در هر موقعیتی لازم است، گفت: چند سال قبل در کانادا برای جمعی از ایرانیان که به مناسبت نوروز مراسمی برپا کرده بودند، گفتم که شما به هر دلیلی که به کانادا آمده‌اید و در هر لباسی که هستید باید به ایران خدمت کنید؛ اگر در لباس پاکبان و یا استاد دانشگاه هستید چنان کار کنید که بگویند این پاکبان ایرانی خوب کار می‌کند و ما متقاضی کار او هستیم و یا مدرس ما استاد ایرانی است، اگر او درس ندهد اعتصاب خواهیم کرد.

حمیدی که خود از صنعتگران به نام و دارای چندین برند است خطاب به حاضران افزود: من صنعتگری هستم که نه برای جیبم بلکه برای مملکت کار کرده‌ام آنچه مورد نیاز

موقوفات به سمت علم و فناوری جدید می‌رود

وی افزود: امروز، سازمان اوقاف به دنبال این است که موضوع موقوفات را به سمت علم و فناوری جدید ببرد. وی اظهار کرد: امروز آموزش عالی کشور نیازمند مباحث خیر است، در حوزه ساخت خوابگاه متاهلین و مجردین با مشکلات جدی مواجه هستیم و عزم جدی وزیر علوم، راه‌اندازی خوابگاه متاهلین و مسکن دانشگاهیان است. هدف این است که بتوانیم مشکل مسکن اساتیدی که وارد آموزش عالی می‌شوند را رفع کنیم و به نحوی، ماندگاری اساتید در دانشگاه را زیاد کنیم.

دکترپندار گفت: مهاجرت نخبگان جدی است و باید بتوانیم به هر طریق، ماندگاری ایجاد کنیم. ۹۰ هزار نفر دانشجوی متاهل در تحصیلات تکمیلی روزانه مشغول به تحصیل هستند و قصد داریم در ۴ سال آینده برای ۳۰ درصد این تعداد، خوابگاه متاهلین ایجاد کنیم که تقریباً معادل ۲۷ هزار خوابگاه متاهلی می‌شود و بار مالی آن نیز قریب ۴۰ هزار میلیارد تومان است. در حال حاضر،



دکتر مهدی پندار معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که به نمایندگی از وزارت علوم در مراسم شرکت کرده بود، با ابلاغ سلام وزیر علوم، به نقش بی‌بدیل موقوفات و خیرین در توسعه علم و فناوری در طول تاریخ ایران اشاره کرد و گفت: مشهد یکی از شهرهای بزرگ کشور است که موقوفات گسترده‌ای دارد و در گذشته موقوفات زیادی به حوزه علم و فناوری اختصاص یافته است.



معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گفت: قانون مولدسازی و آیین‌نامه مربوط، با دارایی آن موجود است تا مولدسازی در دانشگاه را آغاز کند و در این رابطه نیاز داریم تا موضوع خیرین به صورت جدی در دانشگاه پیگیری شود. تجهیزات مورد استفاده دانشگاه فرسوده است و به کار دانشگاه نمی‌آید. اگر قرار است در هوش مصنوعی حضور داشته باشیم و جزو کشورهای برتر باشیم نیاز به سرمایه‌گذاری در این حوزه، جدی است.

ساخت ۵۰۰۰ خوابگاه شروع شده است و تعداد ۴۰۰ خوابگاه را تحویل دادیم و ردیف بودجه موجود برای آن ۵۰۰ میلیارد تومان است.

وی بیان کرد: قریب ۷۰ درصد خوابگاه‌ها با همت خیرین آغاز شده است. همچنین چهار طرح متمرکز ۵۰ درصدی در وزارت علوم داریم که قرار است خیرین آن را شروع و تا ۵۰ درصد هزینه آن را تامین کنند و هزینه ادامه کار با منابع دولتی تامین می‌شود.

بنیاد دانشگاهی فردوسی حس امید و داشتن پناهگاه را در دانشجویان ایجاد می‌کند



دکتر عبدالرضا جوان جعفری، رئیس دانشگاه فردوسی مشهد با ابراز خوشحالی از حضور نیکوکاران و یاوران دانشگاه، به خدمات ارزشمند بنیاد در طول دو دهه فعالیت اشاره کرد و گفت: امروزه دانشجویان با کمک‌های بنیاد حس خوب امید و داشتن پناهگاه را درک می‌کنند و خدماتی که تأمین آن برای دانشجویان ممکن نبود بخشی از خدمات این نهاد بزرگ است.

وی افزود: این بنیاد در حوزه دانشجویی بین ۴۳ تا ۴۵ هزار متر خوابگاه با ظرفیت ۲۲۰۰ تخت خوابگاهی ساخته و در اختیار دانشگاه قرار داده است و به جرات می‌توان گفت در حوزه درمان، سلامت، شهریه دانشجویی، بیمه تکمیلی و سایر خدمات به یمن حضور بنیاد، مشکلی نیست و با حفظ حرمت و کرامت دانشجویان به نیازها پاسخ داده می‌شود. جوان جعفری افزود: گاهی می‌شنوید که چند هزار تخت خوابگاهی تهیه شده اما کمتر به آسیب‌های فقدان خوابگاه که متوجه دانشجویان می‌شود، توجه شده است. کمک‌های این نهاد، کمک به جایگاه دانشگاه و ارتقاء جایگاه علمی و فناوری بوده است.

رئیس دانشگاه فردوسی مشهد گفت: جذب نخبگان بخشی از سیاست بنیاد بوده که در زمان ورود دانشجو، فعالیت دانشجویی و فراغت از تحصیل مورد توجه است. از همان

ابتدا قید می‌شود که دانشجویان با رتبه خوب، بورسیه خواهند شد، به همین دلیل در طول تحصیل رقابت در بین دانشجویان برقرار است و در زمان فراغت، دانشجویان نخبه مورد توجه بنیاد هستند.

جوان جعفری ادامه داد: کمک به رقابت علمی بین اعضای هیات علمی که کار پژوهشی ارزشمندی انجام می‌دهند، بخشی از خدمات این نهاد است. در حوزه تقویت مراکز نوآوری و اشتغال این نهاد با دانش نوین اقدام به برگزاری دوره آموزشی و ایجاد مراکز علمی و فناوری کرده که در چند روز آینده شاهد افتتاح برخی از آن‌ها خواهیم بود. وی افزود: توسعه فرهنگ نوآوری بخشی از فعالیت‌هایی است که بنیاد از طریق معرفی کارآفرینان دانشگاه به دیگران انجام می‌دهد. بنیاد موفق شده تحول نهادی در

دانشگاهیان و محافل علم و فناوری روی آورده و کمک کنند، همچنین الگویی ساخته که با الگو موفق علمی در دنیای امروز قابل مقایسه است اما از حیث سرمایه هنوز با برخی دانشگاه‌های جهان که صدها میلیارد دلار سرمایه دارد، فاصله داریم.

جوان جعفری با ارائه پیشنهادهای خود، افزود: ارتباط برقرار کردن با نیکوکاران و دانشمندان ایرانی خارج کشور، منبع عظیمی است که جهش در فضای آکادمیک و علمی را فراهم می‌کند و برقراری این ارتباط کار آسانی نیست؛ پیشنهاد می‌شود از ظرفیت دانش‌آموخته‌های دانشگاه فردوسی مشهد که در بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی هستند، بیشتر کمک گرفت، همچنین ارتباط نهادینه با دانشگاه فردوسی مشهد برقرار و نهاد متقابل برای همکاری مستمر ساخته شود.

وی ادامه داد: همچنین پیشنهاد می‌شود که از سرمایه‌های نمادین و عناوین افتخاری و علمی دانشگاه در قبال خدمات برجسته که به دانشگاه دارند، استفاده گردد.

خدمت به فضای دانشگاه رقم زند و در این مدت با اقشار متخصص ارتباط گرفته و این مفهوم را متوجه نهادهای آکادمیک کرده که تاکنون سابقه نداشته و اکنون این اتفاق افتاده و این تجربه قابل تکرار و اجراست. وی اظهار داشت: بنیاد وقف، دینی و مذهبی است و به طور سنتی متوجه حوزه دینی، اماکن متبرکه، حسینیه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی در آموزش و پرورش بوده و بنیاد دانشگاهی فردوسی توانسته است مفهوم وقف را متوجه نهادهای آکادمیک و دانشگاهی کند و این تجربه در سراسر کشور قابل تکرار و انجام و اجراست از سوی دیگر بنیاد توانسته یک تحول نهادی و حقوقی هم در این زمینه ایجاد کند و با استفاده از نهادهای حقوقی جدید مانند نهاد صلح در واقع به راحتی قریب هزار میلیارد تومان از سوی نیکوکاران منطقه و شهر حاصل نماید. رئیس دانشگاه فردوسی مشهد گفت: تولید و توسعه سرمایه اجتماعی به سختی تولید می‌شود و به راحتی نیز از دست می‌رود. اما بنیاد با اعتمادآفرینی زمینه‌ای فراهم کرده تا خیرین و نیکوکاران به راحتی به سمت

احیای امر خیر؛ خیریه‌های سنتی یا سازمان‌های مردم نهاد

زیست و حوزه‌های دیگر فعالیت دارند، از این دیدگاه است که ما باید خودمان برای خودمان کاری بکنیم تا اینکه بخواهیم بازوی حمایتی و کمک دولت باشیم. وی با بیان اینکه امر خیر دوباره در جامعه احیا شده افزود: اینکه چرا و از چه زمانی امر خیر در جامعه ما دوباره احیا شد و امروز با چه چالش‌هایی رو بروست، را پاسخ دهیم.

وی افزود: همه می‌دانیم مفهوم خیر و عمل خیر یک مفهوم بسیار قدیمی باشد که در همه ادیان وجود دارد اما علاوه بر مفهوم دینی، خیر یک مفهوم جامعه‌شناسی نیز می‌باشد و در جامعه‌شناسی به آن (نوع دوستی) یا (دگر دوستی) می‌گویند که اساس زندگی اجتماعی بر دگر دوستی است.



دکتر سارا شریعتی عضو هیات علمی دانشگاه تهران، یکی از میهمان و سخنرانان ویژه این آیین سخنانش را با نگاهی نو به بحث امر خیر آغاز کرد و با اشاره به مفهوم امر خیر و خیریه گفت: نگاه من به این بنیادها و به همه تشکلات مدنی که در این جامعه برای پاسخ دادن به مشکلات جامعه، دانشجویان، فرهنگ، محیط



وی گفت: نمی توان صرفاً از یک الگو پیروی کرد و ما نیازمند دخل و تصرف در راه حل های اجتماعی هستیم تا بتوانیم آن ها را در جامعه خود اجرا کنیم. اینجاست که شکل گیری تشکله ها و تشکلهایی جامعه نشان می دهد که جامعه قصد توانمند شدن و دفاع از حقوق خود را دارد و این سمن سازی، مزایای بسیاری دارد که مهم ترین آن، «اخلاق مراقبت» است.

شریعتی مفهوم «اخلاق مراقبت» را نوعی بازسازی اخلاق مادرانگی در جامعه ای دانست که مبانی اخلاقی آن متزلزل و شکننده شده است.

به گفته وی، این اخلاق مراقبتی، ارزش هایی همچون همبستگی اجتماعی، مراقبت، بخشش و سرمایه اجتماعی را احیا می کند و باعث افزایش اعتماد جامعه به خودش می شود و قدرت جامعه به میزان تشکلهایی اش است.

شریعتی گفت: الگوی خیریه ها یا الگوی بنیادهای عام المنفعه با چالش ها و پرسش های جدی روبروست اولین پرسش اینست که آیا با قبول کردن همه وظایف دولت، دولت را مستعفی و نیازمند متکدی نمی کنیم؟ آیا نباید جریان مطالبه گری از قدرت و مسئولان را فعال کنیم؟ دومین چالش اینست که مگر هدف نه اینست که علل به وجود آمدن شکاف های طبقاتی را از بین ببریم؟ پس این سمن ها زخم هایی را که قدرت به وجود می آورد پانسمان می کند. وی گفت: اما باید چه کار کرد آیا جنبش مطالبه گری از دولت را باید فعال کرد یا مردم خود مسائل خودشان را حل کنند؟ پاسخ این پرسش را در تعریفی که زنده یاد دکتر علی شریعتی از حسنات و صالحات ارائه می دهند می توان جستجو کرد. آنجا که می گوید حسنات، نیکوکاری و کمک به فقیر و امداد در شرایط استیصال است، اما صالحات کار فکری و فرهنگی و آگاهی دادن است، اگر حسنات در شکل خدمات بماند، نقش مسکن برای جامعه را بازی کند، اما اگر حسنات در جهت صالحات و در جهت فرایند تغییر اجتماعی باشد، همدست جنبش مطالبه گری می شود که دولت را مسؤول و پاسخگو می خواهد، اینها می توانند شرایط تغییرات اساسی و بنیادین را فراهم کنند.

شریعتی با بیان اینکه امر خیر دوباره در جامعه احیا شده گفت: خیریه ها و سمن ها امروزه با تصویری که ما از خیریه های سنتی قدیمی داریم در همه چیز همچون سازمان و حیطه های دخالت و هدف متفاوتند.

خیریه های سنتی شکل خانوادگی و هیأتی داشتند و معمولاً برای ازدواج فقرزدایی و سلامت، ورود پیدا می کردند اما خیریه های امروزی که در حوزه های فرهنگ، دانشگاه، سلامت، محیط زیست و زنان حضور پیدا کرده و نقش آفرینی می کنند و اصولاً هدفشان متفاوت می باشد یعنی اگر در خیریه های قدیم هدف، کمک و امداد بود امروز هدف این نوع تشکلات، توانمند سازی و بی نیاز کردن فرد از نیازمندیست تا خودش بتواند نیازهایش را رفع کند در نتیجه ما با یک احیای امر خیر و فعالیت نیکوکارانه روبرو هستیم که کاملاً با شکل خیریه های سنتی فاصله گرفته است.

وی بازگشت مسائل و امر اجتماعی را علت احیای امر خیر در جامعه دانست و گفت: مشکلاتی نظیر فقر، شکاف های طبقاتی و مسائل محیط زیستی که در قرن نوزدهم در جوامع صنعتی نوپا ظهور کردند، در قرن بیست و یکم نیز با اشکال جدیدی تداوم یافته اند و ما در آن شرایط قرار داریم.

این استاد جامعه شناسی با اشاره به مطالبات اقشار مختلف جامعه، بر ضرورت پاسخگویی به این مسائل برای جلوگیری از انفجار اجتماعی تاکید کرد.

شریعتی با اشاره به الگوی دولت رفاه، به عنوان اولین راهکار جهانی، برای حل مسائل اجتماعی افزود: الگوی رایج، الگوی فرانسوی است که بر اساس آن، دولت آموزش، سلامت رایگان و تامین اجتماعی فراهم کند و در شکل هایی در زمان بیکاری از شهروندانش حمایت کند و در صورت مواجهه با مشکلات، شهروندان از دولت مطالبه پاسخگویی و تامین نیازها را دارند.

اما الگوی دیگری نیز وجود دارد که الگوی اجتماعی نامیده می شود و در آن، شما روی از دولت برمی گردانید و به سمت جامعه روی می آورید. اینجاست که مفهوم «ما مردم» مطرح می شود و جامعه است که پاسخ می دهد. این الگو در قرن نوزدهم در آمریکا رواج داشت.

نیکوکارانی که می‌دانند کجا باید نیکی خودشان را صرف کنند، می‌توانند موجب اعتلای فرهنگ هر کشوری باشند



فرهنگ چنین عمل کردی دارد بنابراین آموختن دانش و انتقال آن به نسل‌های بعد یکی از زیباترین کارهای فرهنگی است که هر انسان فرهیخته، در هر پایه‌ای از دانش، می‌تواند انجام دهد.

ساکت از مهندس دانشور یاد کرد و گفت که در مشهد دو آپارتمان زیرزمینی را بدون چشم داشت در اختیارش گذاشت و در آنجا به آموزش موسیقی پرداخت. حمایت مهندس دانشور باعث شد که بسیاری از کسانی که امروز تار و سه تار درس می‌دهند در آن آپارتمان یاد گرفته‌اند.

وی افزود: اگر صمصام الملک بیات و ارباب جمشید نبودند هرگز وزیری بزرگ، به اروپا نمی‌رفت و تحصیل موسیقی نمی‌کرد و دانش خود را به اینجانی‌آورد و اگر نمی‌آورد مدرسه موسیقی درست نمی‌کرد و اگر مدرسه

استاد کیوان ساکت، هنرمند برجسته موسیقی ایرانی با ابراز خوشحالی از حضور در این آیین با اشاره به سال‌های دور دانشجویی و شور و عشقی که او را از مهندسی راه و ساختمان به وادی موسیقی کشاند، از ۱۳ پوشینه (دفتر) خود برای آموزش موسیقی و ضرورت استفاده از واژه‌های فارسی سخن گفت و اظهار کرد: ۱۳ پوشینه (جلد) برای آموزش موسیقی تاکنون از من دیده شده که در جای جای ایران آموزش داده می‌شود در چاپ‌های تازه این دفتر آموزشی کوشیدم تا جایی که می‌توان از واژه‌های انیرانی (ناایرانی) یعنی واژه‌هایی که ایرانی نیستند پرهیز و واژه‌های زیبا و شیرین پارسی رو جایگزین کنم برای همین اجازه بدهید من به جای واژه تازی خیرین واژه زیبای نیکوکاران را بگویم.

وی با اشاره به تاثیر فرزانه توس بر حفظ زبان وهویت ملی ایران، افزود: از حسنین هیکل روزنامه نگار بسیار نامدار مصری پرسیدند شما که تمدن شگفت انگیز داشتید چگونه عرب زبان، عرب لباس، عرب موسیقی و عرب فرهنگ شدید در حالی که آنچه بر ما رفت، هرگز بر مصر نرفت. «حسین هیکل گفت ما فردوسی نداشتیم.» وی ادامه داد: چندین سال روی شاهنامه فردوسی ده مرده کار کرده است و چندین پرده با نام تابلوهای شاهنامه تهیه کردم شامل ورود تهمینه به خوابگاه رستم، نبرد رستم و سهراب، وارد شدن سیاوش پیش سودابه، گذشتن سیاوش از آتش و... تهیه کردم.

این استاد برجسته موسیقی درباره معنی فرهنگ گرچه چندین معنی دارد، به نقل از استاد یوسف صفوت گفت: این واژه را ایرانیان از روی مفهوم کاریز ساخته‌اند. ایرانیان با حفر کاریز و با تدابیر بسیار، آب پاکیزه‌ای را که نشانه زندگی است به جایی که آب ندارد می‌رسانند.

فرهنگ پارسی، با نوای دلنشین تار و سه‌تار، حاضران را به وجد آورد.

در این آیین، از سرکار خانم دکتر سارا شریعتی مزینانی و جناب استاد کیوان ساکت به پاس حضور ارزشمند و سخنان گرانباشته‌شان با اهدای لوح تقدیر و نشان نیکوکاری بنیاد دانشگاهی فردوسی تجلیل به عمل آمد و استاد ساکت به عنوان سفیر نیکوکاری بنیاد دانشگاهی فردوسی معرفی و تمبر یادبود بیستمین سالگرد تاسیس بنیاد نیز رونمایی شد.

گزارش: بتول صارمی

درست نمی‌کرد صبایی و روح الله خالقی نبودند و اگر نبود سرود «ای ایران»ی نبود.

این استاد موسیقی نقش نیکوکاران آگاه را در اعتلای فرهنگ هر کشور بسیار مهم ارزیابی کرد و افزود: نیکوکارانی که می‌دانند کجا باید نیکی خودشان را صرف کنند می‌توانند موجب بسیار چیزهای زیبا در فرهنگ هر کشوری، به ویژه کشور ما باشند و من به عنوان یک شاگرد کوچک فرهنگ بزرگ و دیرپای ایرانی آفرین می‌گویم به کسانی که به هر گونه برای گسترش دانش، معرفت، علم و هنر می‌کوشند.

استاد کیوان ساکت، هنرمند برجسته موسیقی ایرانی، پس از سخنرانی خود در باره اهمیت پاسداشت زبان و



نمایش «آسو، افق طلایی کوه»

از آغاز سفر آسو به خراسان و سپس بازگشت وی به کردستان را در قالب منولوجی پانزده دقیقه‌ای همراه با فلش‌بک و فلش‌فورواردهایی به گذشته و حال آسو ارائه می‌کرد.

گفتنی است که این نمایش، تنها یک شخصیت روی صحنه داشت و مرسانا برازنده، بازیگر تئاتر و دانشجوی ادبیات نمایشی دانشگاه اقبال لاهوری، در شمایل آسو کاوان، به ایفای نقش دختر جوان و کردتباری از دیار کردستان می‌پرداخت که در سال‌های پیش از ساخت نخستین خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه فردوسی به همت بنیاد، در آستانه ورود به مشهد و استقرار در مسافرخانه‌ای دچار حادثه‌ای تلخ شده و مردی مسن

به مناسبت برگزاری بزرگداشت بیستمین سالگرد تأسیس بنیاد دانشگاهی فردوسی، نمایش «آسو، افق طلایی کوه» به نویسندگی و کارگردانی مهربانو حورا حق‌شنو، از استادان دانشگاه در رشته هنر و نمایش و به همت جمعی از دانشجویان هنر دانشگاه‌های مشهد، با حمایت بنیاد در تاریخ بیست‌وهشتم آذر ماه هزار و چهارصد و سه، حوالی ساعت شش عصر در محل هتل پردیسان مشهد به روی صحنه رفت.

این اثر نمایشی در موضوع نیکوکاری و با الهام از داستان واقعی شکل‌گیری هسته این نهاد خیر فرهنگی اجرا شد که با تمرکز بر اهداف و نتایج درخشان ظهور این بنیاد دانشگاهی به‌صورت تک‌پرده‌ای و خرده‌پیرنگی،



در شبی برفی به او تجاوز می‌کند؛ درست زمانی که هم‌اتاقی آسو برای عیادت از مادر بیمار خویش به شهرشان سفر کرده و او تنها بود.

این اثر نمایشی به واکاوی علت شکل‌گیری بنیاد دانشگاهی فردوسی در قالب تئاتر پرداخته بود و در خلال پیش‌روی روایت، از همراهی نیکوکارانه استاد علی باقرزاده (بقا) رونمایی کرد و آیین‌های تمام‌نما از اثرگذاری روشن و نیک حضور بیست‌ساله بنیاد دانشگاهی فردوسی در حمایت فرهنگی از دانشجویان را به تصویر کشید.

تئاتر «آسو، افق طلایی کوه» همراه با ویدئویی از تصاویر گرافیکی بر پرده روی صحنه به‌طور موازی با منولوگ بازیگر به نمایش درآمد که این تصاویر با هوش مصنوعی، به کوشش بانو حق‌شنو تولید شده بود و امیرحسین زهانی، دانشجوی رشته هنرهای چندرسانه‌ای دانشگاه هنر فردوس، به تدوین و تنظیم آن پرداخته بود.

دیگر عوامل اجرایی این اثر نمایشی به تهیه‌کنندگی بنیاد دانشگاهی فردوسی که با استقبال پرشور مخاطبان

آن شب روبه‌رو شد و همگان را با روایت خویش به تأثر و گریستن افکند، عبارت‌اند از:

صدابازیگران: پریسا براتی، ارمیا بسکآبادی، علی‌رضا پارسه، حورا حق‌شنو، درسا خطیبی، شهریار طیار، امیرحسین نجف‌پور - منشی صحنه: درسا خطیبی - طراح و مجری گریم: هستی افشین‌پور - طراح صحنه و لباس: صفورا اردکان - طراح پوستر: حورا حق‌شنو - طراح و مجری نور: تینا علمدار - طراح و مجری صدا: یگانه امیدوار مقدم و ارمیا بسکآبادی - سازنده ویدئو و تدوین‌گر: امیرحسین زهانی - عکاس و سازنده تیزر: ساغر صباحدی.



روز اول تحصیل

اذان صبح پخش شد:

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله

خدایا کمکم کن، خدایا کمکم کن، امام رضا همیشه پیش خدا ضمانت منو بکنی؟ آخه چجوری به آرزو هام برسم؟

خانوادمو چجوری خوشحال کنم؟ چیکار کنم که بهم افتخار کنن؟

همینجوری این افکار در ذهنم پخش میشد، نمی دانستم چه کاری باید انجام بدم، به کجا پناه ببرم... تنها جایی که بعد اومدنم به مشهد به ذهنم رسید، حرم امام رضا بود. اون شب تا صبح توی حرم خوابیدم، کمی سرد بود اما وجودمو رو گرم می کرد. طوری که صبح با حس و حال عجیبی بیدار شدم، حس و حالی پر از امید، پر از ذوق... انگار اتفاقی درونم افتاده بود که خودم متوجه اش نبودم. شاید خوابی خوش دیده بودم، شاید امام رضا سراغم آمده بود... نمی دانستم...

از حرم خارج شدم، به مکان استقرارم خوابگاه پردیس ۷ در پردیس دانشگاه، که خیر ساز هست، رفتم... خیلی شلوغ بود، همه دانشجویان نوورود در حال جا به جا کردن وسایلاشون بودن تا تو خوابگاه مستقر بشن، من چندروز زودتر آمده بودم، اسکان پیدا کرده بودمو و همه وسای لم رو مرتب کرده بودم. عجیب خوشحال بودم، با دیدن بچه ها خوشحال ترهم می شدم، اما وسط این حس پر از شوق، گاهی ته دلم خالی می شد... اینکه چطور می خوابی هزینه تحصیل رو تامین کنی؟ چطوری می خوای تغذیه خوبی داشته باشی؟ یا اگه مریض شدی چطوری می خوای هزینه درمانت رو پرداخت کنی؟ فکرم ازین موضوعات پر بود. از طرفی دلم

می خواست بدون هیچ مانع تحصیلی بتونم رویاهامو واقعی کنم... اما وجودم پر بود از اضطراب، اضطرابی که فکر می کردم قراره ۴ سال همراهم باشه...

حاضر شدم رفتم دانشکده، اولین کلاس بود، در اولین دیدار با هم کلاسی هایم، مسئول آموزش دانشکده اومد، بعد از عرض سلام و تبریک گفت، بچه ها امروز کلاستون توی بنیاد دانشگاهی فردوسی قراره برگزار بشه به همراه استاد همگی میرین بنیاد. کمی صدای پیچ شنیده شد. یکی می گفت بنیاد کجاست؟ چه موسسه ایه؟ یکی می گفت چرا جلسه اول باید بریم اونجا؟ ناگفته نماند که این ها سوالات منم بود.

به بنیاد رسیدیم، وارد اتاقی شدیم، روی سر در نوشته بود اتاق شورا... چقدر اینجا همه چیز تمیز و مرتبه، چقدر همه چی برق می زنه... نشستیم، چقدر صندلی گرمی بود، بانگستن روی صندلی احساس آرامشی در من بوجود آمد، دقایقی گذشت، خانومی آمد و شروع به صحبت کرد: عرض سلام و خوش آمد دارم خدمتتون، من شیروانی هستم نماینده بنیاد، آغاز اولین سال تحصیلی جدید و ورود به یکی از بهترین دانشگاه های کشورمون رو بهتون تبریک میگم. اما اینجا بنیاد دانشگاهی فردوسی مشهد هست، جایی که قراره از ابتدای اولین سال تحصیلی تا انتهای چهارمین سال تحصیلی کنار شما باشه. بنیاد دانشگاهی فردوسی سازمانی است مردم نهاد که در سال ۱۳۸۳، تاسیس شده است.

فعالیت های بنیاد، شامل خدمات رفاهی دانشجویی، آموزشی، پژوهشی و فناوری، ساخت و تامین خوابگاه های دانشجویی، کمک هزینه تحصیلی، وام دانشجویی، شارژ کارت تغذیه، هزینه های درمانی و... می باشد.



دوستان می دونید بنیاد هزینه این خدمات رو از کجا میاره؟ افراد خیر و نیکوکار زیادی توی شهرمون داریم که در طی دودهه اخیر از طریق شیوه های مختلف با بنیاد آشنا شدند و کمک های مادی و معنویشون رو به بنیاد تقدیم کردند .

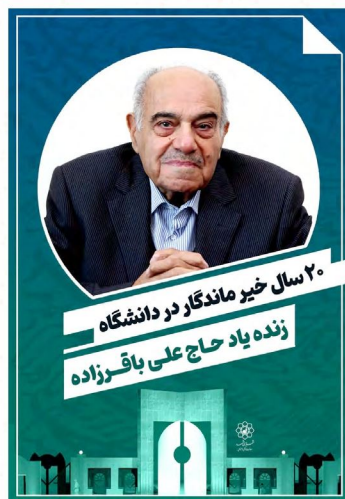
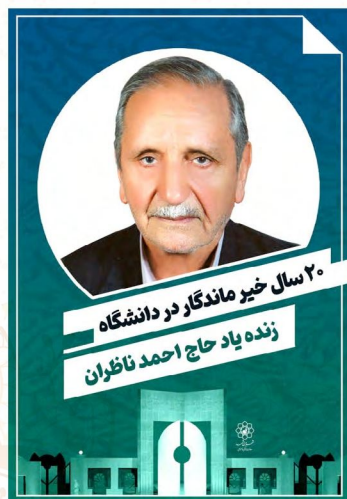
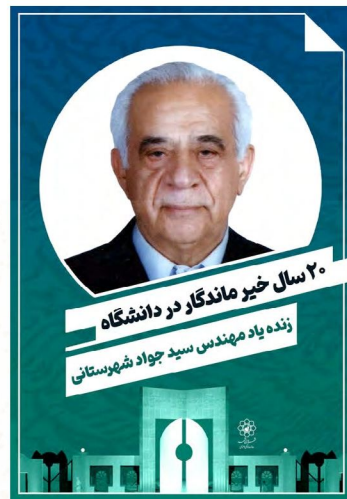
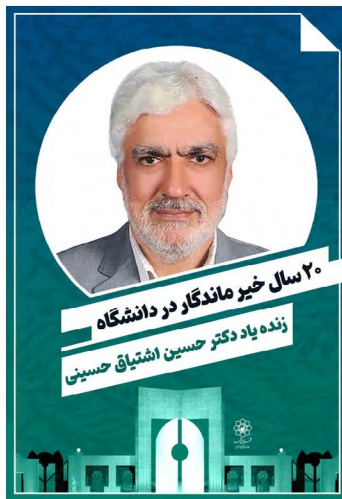
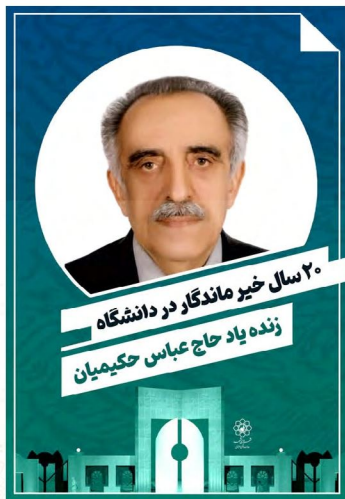
در حین شنیدن صحبت های این خانوم، ذره ذره وجودم پر از حس شادی و شمع میشد، بعد از پایان صحبت هایشان حسی وصف نشدنی پیدا کردم، مشابه حسی که صبح توی حرم داشتم. دیگر متوجه شدم که

فاطمه شیروانی

۲۰ سال خیر ماندگار

با سپاس و قدردانی از شهرداری محترم مشهد به سبب همکاری ارزشمند با بنیاد دانشگاهی فردوسی و ایفای نقش مؤثر در عرصه اطلاع رسانی عمومی، این مشارکت، که در چارچوب مسئولیت اجتماعی شهرداری صورت پذیرفته و به تخصیص رایگان بیلبردهای شهری انجامید، شایسته قدردانی و ارجگذاری است.





غروبی از جنس مهر، دیداری از جنس وفا

فرشته مشهدی

در شامگاه دل‌انگیز بیست‌وهفتم آبان‌ماه ۱۴۰۳، هنگامی که غروب پاییزی، آرام و نجیب، سایه‌های طلایی‌اش را بر دیوار خانه‌ها می‌پاشید و نسیم خنک آبان، عطر زندگی را به کوچه‌ها و دل‌ها هدیه می‌داد، جمعی از اعضای هیأت مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی مشهد با دل‌هایی آکنده از احترام و قدردانی، به دیدار نیک‌اندیش گران‌قدر، جناب آقای مهندس مشارزاده مهرابی شتافتند.

این دیدار، که در منزل آن یار دیرین دانشگاه و همراه صمیمی بنیاد صورت گرفت، نه صرفاً دیداری با یاری، بلکه تجدید عهدی با مردی بود که سال‌ها، بی‌ادعا، در کنار بنیاد ایستاد و با حمایت‌های خالصانه‌اش، مرهمی بر نیازهای دانشجویان کم‌برخوردار نهاد.

حضور ایشان در سالیان گذشته، همواره همراه با تدبیر، بزرگ‌منشی و روحی بخشنده بوده است؛ شخصیتی فرهیخته که در مسیر رشد و اعتلای دانشگاه فردوسی، نقشی ماندگار و ارزشمند ایفا کرده است.



گامی در مسیر همافزایی علم و نیکوکاری

همکاری ستاد خیرین، تدابیر حمایتی تازه‌ای در این راستا در نظر گیرد.

در بخش پایانی این بازدید، مشاور محترم وزیر و همراهان ایشان با حضور در غرفه اسناد اهدایی



خیرین و یادمان همیاران آسمانی شده بنیاد، با بخش دیگری از میراث ماندگار نیک‌اندیشان این دانشگاه آشنا شدند؛ اسنادی که گواهی است بر سال‌ها همراهی دلسوزان علم با دانش‌پژوهان این سرزمین در سایه همدلی نهادهای حاکمیتی و مردمی، شکوفایی علم و پرورش نسل‌های آینده، ممکن‌تر از همیشه خواهد بود.



در روز ۲۱ آبان‌ماه سال جاری، بنیاد دانشگاهی فردوسی افتخار میزبانی از جناب آقای دکتر مهدی قاسمی‌علی‌آبادی، مشاور محترم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه اقتصاد آموزش عالی و دبیر ستاد خیرین وزارت علوم را داشت.

این دیدار، باهدف آشنایی نزدیک با ظرفیت‌ها، اقدامات و چالش‌های پیش‌روی بنیادهای دانشگاهی، به‌ویژه بنیاد دانشگاهی فردوسی مشهد، صورت گرفت. در ابتدای بازدید، میهمانان محترم با نگاهی دقیق و علاقه‌مندانه از بخش‌های مختلف بنیاد، از جمله فعالیت‌های حمایتی از دانشجویان، پروژه‌های خیرساز، طرح‌های نوآورانه در حوزه سلامت و رفاه دانشجویی، و برنامه‌های در دست اجرای بنیاد بازدید کردند.

در ادامه، نشست صمیمانه و در عین حال راهبردی با اعضای محترم هیأت مدیره بنیاد برگزار شد؛ نشست که در آن، دست‌اندرکاران بنیاد گزارشی جامع از دستاوردهای دو دهه فعالیت بنیاد در مسیر حمایت از دانشگاه، ارتقاء کیفیت خدمات دانشجویی و ایجاد پیوند میان دانشگاه، خیرین و جامعه ارائه کردند.

همچنین در این جلسه، به چالش‌ها و موانعی که بنیادهای دانشگاهی در مسیر رشد و توسعه با آن مواجه هستند پرداخته شد؛ از جمله محدودیت‌های قانونی، کمبود حمایت‌های ساختاری و نیاز به تقویت جایگاه نهادهای مردمی در کنار نظام آموزش عالی. در پایان این گفتگو، بر لزوم تدوین راهکارهایی مؤثر برای پشتیبانی نظام‌مند از بنیادهای دانشگاهی در سراسر کشور تأکید شد و مقرر گردید وزارت علوم با

«طرح درمان و سلامت هادوی»

در آبان ماه سال جاری به همت سرکار خانم دکتر فاطمه هادوی «طرح درمان و سلامت هادوی» توسط بنیاد با همکاری مرکز بهداشت و درمان دانشگاه فردوسی مشهد به اجرا درآمد. ایشان آپارتمان مسکونی به مبلغ ۴۵ میلیارد ریال را به فروش رساندند و تمام بهای آن را برای اجرای طرح یاد شده به بنیاد اهدا



نمودند؛ سپس جناب آقای دکتر مصلی نژاد نیز با پرداخت معادل آن مبلغ به بنیاد، در این طرح مشارکت نمودند. از محل درآمد حاصل از سپرده گذاری تمامی این مبالغ، تعداد ۳۰۰ دانشجوی واجد شرایط در سال جاری تحت پوشش بیمه تکمیلی در خواهند آمد.

«طرح اصلاح بینایی زنده یاد حاج علی اصغر درّی»

برادران محترم درّی به شکرانه الطاف الهی و پاسداشت یاد و خاطره پدر بزرگوارشان زنده یاد حاج علی اصغر درّی تفاهم نامه طرح اصلاح بینایی زنده یاد حاج علی اصغر درّی را برای کمک به دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد منعقد نمودند.

طبق مفاد این تفاهم نامه، دانشجویان این دانشگاه به صورت زیر مورد حمایت قرار خواهند گرفت:

- ۱- پایش رایگان بینایی (بینایی سنجی)؛
- ۲- تأمین رایگان عینک طبی برای ۱۰۰ دانشجو؛
- ۳- تأمین عینک طبی برای ۳۰۰ دانشجوی واجد شرایط که ۵۰ درصد بهای آن توسط خانواده محترم درّی و ۴۰ درصد از بهای آن توسط بیمه تکمیلی و ۱۰ درصد بهای آن توسط دانشجو پرداخت خواهد شد؛
- ۴- تأمین عینک طبی و آفتابی سایر دانشجویان متقاضی با اختصاص ۲۰ درصد تخفیف.

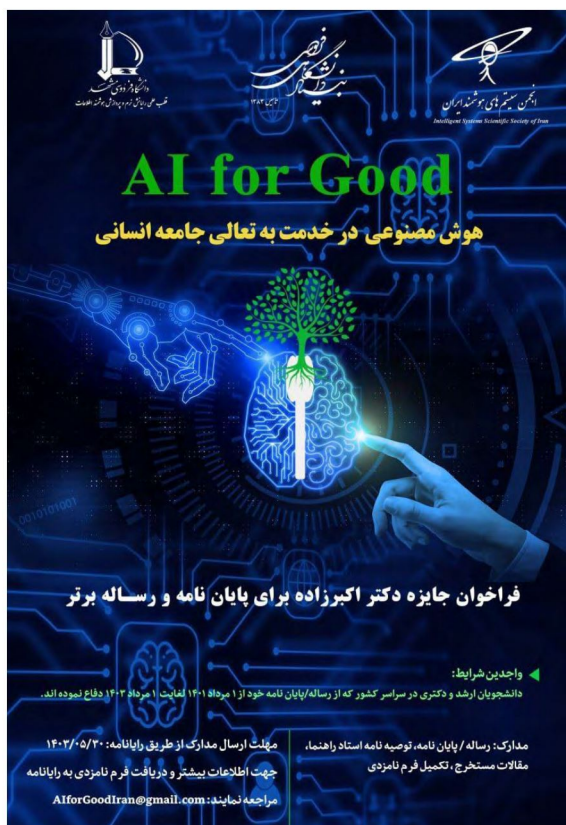
جایزه هوش مصنوعی در خدمت به تعالی جامعه انسانی

این جایزه به همت و حمایت مالی استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا اکبرزاده توتونچی عضو هیات علمی دانشکده مهندسی و با حمایت بنیاد دانشگاهی فردوسی و همکاری انجمن سیستم‌های هوشمند ایران به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های برتر در زمینه هوش مصنوعی تعلق می‌گیرد.

این جایزه در سال ۱۴۰۳ به همراه لوح تقدیر به افراد زیر تعلق گرفت:

۱. آقای مهدی محسنی دانش آموخته دانشگاه صنعتی شریف دارای پایان‌نامه برتر کارشناسی ارشد،
(مبلغ ۱۵۰ میلیون ریال)

۲. خانم مریم سادات موسوی زادگان، دانش آموخته دانشگاه تهران دارای رساله برتر دکتری،
(مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال)



این جوایز در سوم آبانماه سال جاری همزمان با برگزاری کنفرانس ملی سیستم‌های هوشمند ایران که در تهران برگزار شد به نامبردگان اهدا شد.

لازم به توضیح است که بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که انجام شده است، انتخاب افراد برتر بر اساس نظر کمیته داوران، متشکل از پنج متخصص از پنج دانشگاه و مرکز پژوهشی کشور زیر نظر انجمن سیستم‌های هوش مصنوعی انجام می‌شود.

بنیاد دانشگاهی فردوسی ضمن سپاس از انجمن سیستم‌های هوشمند ایران و عرض تبریک به منتخبان این جایزه، از خداوند متعال برای استاد ارجمند جناب آقای دکتر اکبرزاده توتونچی، سلامتی و توفیق روزافزون مسألت می‌نماید.

فکر دیگران

سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سربه بام خسته جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی

خوشنودی دل

سری از بوی گل ها مست داری کتاب و ساغری در دست داری
دلی را هم اگر نشود کردی به کیتی هرچه شادی هست داری

فیدون مشیری

حافظ! نهاد نیک تو کامت برآورد
جان ما فدای مردم نیکو نهاد باد

